

میترا (مهر)

اله نور و روشنائی

کیش، هفت هزار ساله آریایی

(آمین میترا میسم به زبان ساده)

کردآوری: محمد رضا حسامی

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۲.....	زادن میترا
۳.....	آغاز آفرینش
۵.....	فصل اول: روزگار ما
۵.....	میترا و ورزش
۶.....	شاعران ایرانی و میترا
۶.....	در چه کشورهایی معابد مهری بیشتری وجود دارد
۶.....	یعقوب لیث
۶.....	دست فلزی
۷.....	آلات موسیقی
۷.....	قند سائیدن روی سر عروس و داماد هنگام عقد
۷.....	مسیحیت و میترا
۸.....	میترا و اروپا
۸.....	آخرین دوره میترائیسم در اروپا
۸.....	مشعل المپیک - روشن کردن مشعل المپیک با نور خورشید
۸.....	عشای ربّانی - شام آخر
۹.....	نام‌ها
۱۱.....	فصل دوم: بازشناخت
۱۱.....	آناهیتا، میترا و آب
۱۲.....	تینا - تیانا
۱۲.....	میترا و عرفان
۱۲.....	میترا الهه مهرورزی و جنگ
۱۳.....	سلاح‌های میترا
۱۴.....	میترا نگهبان خانواده
۱۴.....	یونان
۱۴.....	میترا و عطوفت
۱۵.....	میترا نگهبان قوم آریا

حل اختلافات.....	۱۵
ایرانیان و الهه‌ها.....	۱۵
دشمن میترا.....	۱۵
میترا نماینده اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک.....	۱۶
مهر نخستین ایزد سحرگاهی.....	۱۶
میترا الهه نور و روشنایی.....	۱۶
چگونه آئین مهر وارد مسیحیت شد.....	۱۶
فصل سوم: اصول.....	۱۹
تزئین شب تولد میترا (شب یلدا - شب چله).....	۱۹
مراسم عمومی و خصوصی.....	۲۰
مغ.....	۲۰
مراحل مذهبی مغان.....	۲۰
بازگشت ناجی.....	۲۱
شب اول مرگ.....	۲۱
چرا روز سوم پس از مرگ مهم است.....	۲۱
گذاردن چراغ بر سر قبور.....	۲۱
تکرار آفرینش.....	۲۲
دوزخ و جهان واپسین.....	۲۲
فره ایزدی.....	۲۲
در میترائیسم مرگ مقدس وجود ندارد.....	۲۳
تعطیل کردن کار در آیین میترا گناه است.....	۲۳
میترا و هاله نور.....	۲۳
مقامات مذهبی برای زن و مرد.....	۲۴
نشان صلیب - صلیب شکسته.....	۲۴
روز تولد مسیح در واقع روز تولد میترا است.....	۲۵
فصل چهارم: مناسک.....	۲۷
یکشنبه.....	۲۷
از نشانه‌های میترائی (میله رو به بالا).....	۲۷

۲۷.....	خون
۲۸.....	حلقه
۲۸.....	شراب هوم
۲۹.....	نان و شراب
۲۹.....	غسل تعمید در میترائیسم
۳۰.....	دعا - توبه - نذر - نماز
۳۰.....	غم خواری - شادخواری
۳۰.....	نقاره‌خانه
۳۱.....	نمک و سق نوزاد
۳۱.....	رنگ لباس
۳۱.....	فرش قرمز
۳۲.....	روز زن
۳۲.....	دو دعای میترائی
۳۳.....	سروش
۳۳.....	نقش‌های جنگی
۳۳.....	دشمنان
۳۴.....	اسم مستعار
۳۴.....	هوم
۳۴.....	تسبیح
۳۵.....	سلام دادن
۳۵.....	جام هفت خط
۳۶.....	شنای بانوان
۳۶.....	مُهر مقدس
۳۶.....	نان مقدس
۳۷.....	برادری
۳۷.....	درود میترائی - سلام میترائی
۳۸.....	آئین شمع روشن کردن
۳۸.....	زنگ - ناقوس

تدفین مردگان	۳۸
دوستکامی	۳۸
مهره مهر (مهرهٔ مار)	۳۹
گود زورخانه	۳۹
تقدیر (قضا و قدر)	۴۰
تفأل - پیشگویی	۴۰
تعداد ورودی‌ها در مهرابه	۴۰
زمان قربانی کردن گاو	۴۱
نماز	۴۱
روزه گرفتن	۴۱
اعداد مقدس	۴۱
نشستن در مهرابه (معبد میترائی)	۴۲
مراسم نقاب‌ها	۴۲
چه سنت‌هایی از آئین میترا شروع شده‌اند	۴۳
تولد	۴۳
چهارشنبه سوری	۴۳
رنگ لباس پیروز (حاجی فیروز) سرخ است و صورتش سیاه که سه تعبیر دارد:	
.....	۴۴
جشن مهرگان - مهرجان - میتراکانا	۴۵
رقص سماع	۴۵
آتش	۴۶
چهل چراغ - چلچراغ	۴۶
دفن مردگان	۴۶
هفت سین	۴۷
معاد و رستاخیز	۴۸
سوگند خوردن	۴۸
وقف	۴۹
گیاهان مقدس در میترائیسم	۴۹

در خرابات مغان نور خدا می بینم	۴۹
مهر گیاه	۵۰
نوش - نوشابه - نوشخواره	۵۰
القاب پهلوانی	۵۰
سلاح پهلوانان	۵۱
چهارشنبه سوری	۵۱
گروه کُر (همسرایان)	۵۱
بوش خوش در مهرابه ها	۵۲
فصل پنجم: معماری	۵۴
نقاشی روی دیوارهای معابد مهری	۵۴
شاه نشین	۵۴
سنگ	۵۴
گنبد - گنبد طلائی	۵۵
میترائیسم و معماری	۵۵
مهرابه - خُرابه - خرابات	۵۶
بنا با سنگ قرمز	۵۷
هفت طبقه آسمان	۵۷
برج فلکی	۵۷
فصل ششم: نجوم	۶۰
تاثیر ستارگان بر زندگی و مرگ انسانها	۶۰
خورشید خانم	۶۰
نقش شکل‌های فلکی در آئین میترا	۶۱
احترام به خورشید و ماه	۶۱
شکل‌های برج	۶۱
هفت ستاره بخت - هفت آسمان	۶۲
مفاهیم	۶۲
ناهید	۶۳
ماه	۶۳

۶۴	اورمزد - برجیس (مشتري)
۶۴	نام ماه‌های ایرانی و مفاهیم آنها
۶۵	نام روزهای هفته
۶۶	ستاره بخت
۶۶	قربانی برّه
۶۶	مهر و عیسی
۶۷	عدد پنج
۶۷	نُه آسمان - بالاتر از سیاهی رنگی نیست
۶۷	هفت مرحله میترائی و هفت آسمان
۷۰	فصل هفتم: زبانزد
۷۰	دل داده و قلوه گرفته
۷۰	دندان روی جگر گذاشتن
۷۱	تا سه نشه بازی نشه
۷۱	جگر
۷۲	به این سوی چراغ
۷۲	چراغ
۷۲	بزنم به تخته
۷۲	مثل ماه شب چهارده
۷۳	عیار
۷۳	نان و نمک
۷۳	بزن روشن شی
۷۴	چراغ اول را روشن کن - سر چراغی
۷۴	یار غار
۷۴	برای هفتاد و هشتم کافی است
۷۵	هفتاد سال
۷۷	فصل هشتم: حیوانات
۷۷	حیوانات
۷۷	مار

کلاغ	۷۷
گراز	۷۸
خروس	۷۸
فصل نهم: گیاهان	۸۰
کاج	۸۰
سرو	۸۰
درخت انجیر	۸۰
گل نیلوفر	۸۰
فصل دهم: هنر	۸۲
موسیقی	۸۲
تئاتر	۸۲
رقص	۸۳
مآخذ	۸۴

آیین میترائیسم به زبان ساده

مقدمه

هر چند تاریخ آغاز آئین میترا معلوم نیست و عده‌ای آن را تا هفت هزار سال به عقب برده‌اند برخی دیگر آن را آیین چهار هزار ساله می‌دانند.

آنچه آشکار است ایرانی بودن این کیش می‌باشد. آئین مهر سراسر ایران را پوشاند سپس به هندوستان و چین رفت و در اروپا هم تا قرن چهارم میلادی مورد توجه و احترام بود.

در اروپا معابد میترا هنوز هم وجود دارد و بعنوان آثار باستانی مورد توجه است. همچنان که ادیان بعدی معابد دین قبلی را با تغییراتی به عنوان معبد دین خود مورد استفاده قرار داده و اسم جدیدی بر آن گذاشته‌اند بسیاری از معابد میترا به کلیسا تبدیل شده‌اند.

در ایران میترا و مهر را یکی دانسته‌اند هرچند تعدادی از اهل علم، آنها را مجزا دانسته و قائل به هم ذات پنداری این دو نیستند. در کل باور اینستکه مهر خورشید است و میترا نور و روشنایی است. ادیان پیروز می‌توانند آثار ساختمانی دین قبلی را نابود یا تبدیل کنند ولی اثر فرهنگی آنها همچنان باقی می‌ماند یا در دین جدید با نام یا تغییر ظاهری وارد می‌شود. اروپائی‌های مسیحی اتهام‌های زیادی به آئین میترا وارد کرده‌اند و آن را دین ثروتمندان یا پرستندگان خورشید معرفی نموده‌اند و در بخش‌های بعد خواهیم گفت که چقدر از این دین شرقی تأثیر پذیرفتند.

زادن میترا

میترا در شب یلدا متولد می‌شود یعنی در بلندترین شب سال و از آن شب به بعد، هر روز یک دقیقه از تاریکی کم و به روشنی افزوده می‌گردد. در ایران باستان، تاریکی سمبل اهریمن و روشنی نشانگر پاکی و خدایی است پیام واضح‌تری دریافت می‌کنیم. با زادن میترا، خوبی و نور از صفات خدایی است گسترده و فراگیرتر می‌شود.

تاریخ تولد مسیح را بیست و پنج دسامبر در نظر گرفتند که به واقع همان زادروز میترا است. بزرگان دین مسیح توافق کردند با تثبیت این تاریخ به چندگانگی در تاریخ تولد مسیح پایان دهند هرچند برخی فرقه‌های مسیحی چند روز بعد را «روز زایش مسیح» می‌دانند.

یکی از دلایل یکی دانستن تولد مسیح با میترا اینگونه دانسته شد که میترا فرزند خورشید و مسیح خورشیدی تازه است. در تصاویر میترا، چون او فرزند خورشید است دور سر او را یک هاله نور ترسیم می‌کنند که بعدها این هاله را برای مسیح نیز انجام دادند.

زاده شدن میترا به این صورت است که خداوند به خورشید فرمان می‌دهد که به صخره‌ای در ابتدای یک غار بتابد (برخی تابش خورشید به جای سنگ به گل نیلوفر می‌دانند). بر اثر این تابش میترا به دنیا می‌آید. گل نیلوفر در ایران باستان محترم بوده و احترام آن به زادروز میترا مربوط است. آناهیتا الهه آریایی آب و سرسبزی و باروری را مادر میترا می‌دانند.

آغاز آفرینش

میترا به دستور خداوند آفریده می‌شود و به دستور خدا به بیرون غار می‌رود که موجودی را بنا به فرمان ذبح کند. میترا گاو را در چراگاه می‌یابد ولی باز می‌گردد به غار و به خداوند می‌گوید مرا از این مأموریت معاف دار زیرا من نمی‌توانم موجودی را ذبح کنم، دستور می‌رسد آنچه به تو فرمان رسیده را عمل کن که باعث شروع حیات می‌شود. میترا دوباره عازم می‌شود ولی این بار گاو را نمی‌یابد. موجودی به شکل کلاغ که رساننده پیام الهی نیز هست و مخلوقی به شمایل سگ، وی را هدایت می‌کند تا به گاو می‌رسد و هنگامی که گاو ذبح می‌شود از خون بر زمین ریخته، گیاهان رویدند و از گوشت، جانوران به وجود آمدند. در تمام تصاویر نقاشی و مجسمه‌ای، میترا در حال ذبح گاو نشان داده شده که در واقع آغاز خلقت موجودات است. کلاغ و سگ دو حیوان مورد احترام در آیین میترا است که اولی پیام‌رسان و دومی جهت‌یاب می‌باشد. گاو نیز موجب شروع آفرینش است. آورده‌اند که از نخاع گاو گندم روئید و از خون آن، انگور به وجود آمد.

فصل اول:

روزگار ما

فصل اول: روزگار ما

میترا و ورزش

زورخانه فعلی از بقایای سنت پیروان میترا است که ورزش را باعث سلامتی روح و جسم می دانستند. گروهی از پیروان میترا در زورخانه‌ها ورزش را می آموختند و به این گروه «ای یار» می گفتند و بعد از اسلام به «عیار» تغییر یافت.

پیروان آئین میترا که جزو خدمتگزاران رسمی نبودند ولی خدماتی عرضه می کردند را «ای یار» می گفتند که بعدها به «عیار» تغییر کرد. ورزش پیروان میترا و بزرگان مذهبی در محلی که «زورخانه» نامیده می شد و بعدها همین عنوان باقی ماند صورت می گرفت. این نوع ورزش را «باستانی» می گویند. امروزه در فیلم‌های خارجی ورزش رزمی را از چین می دانند درحالیکه روحانیون و ای یاران میترائی ورزشکار بودند و ابزار ورزشی شامل میل، کباده، تخته شنا، سنگ گرفتن، همگی نمادهای تیر، کمان، سپر، گرز هستند.

یکی از کارهای پهلوانان میترائی، دویدن در هر روز بوده که نمادی از دویدن میترا در جستجوی گاو آفرینش است.

پهلوانان میترائی باید از اولین اشعه‌های زرین خورشید صبحگاهی آغاز می کردند. روحانیون میترائی باید علاوه بر علوم دینی، ریاضی، پزشکی و نجوم، در ورزش هم سرآمد دیگران یعنی پهلوان بودند. پهلوان باید از نظر جسمی سالم و پاک و ضمناً سحرخیز و پاک نظر و دارای اخلاق خوش بودند. هرگاه بر حریف غلبه می کردند نباید او را خفیف می نمودند. کمک به نیازمندان و جلوگیری از ظلم از صفات

پهلوان بود. ای یاران باید کمنداندازی و بالا و پایین رفتن را می‌دانستند که معادل ژیمناستیک امروزی است.

شاعران ایرانی و میترا

شاعرانی مانند حافظ به کیش میترا شناخت داشتند و استفاده مکرر از کلمات «پیرمغان» و خرابه و اشارات دیگر آگاهی این شاعر با آئین باستانی ایران را می‌رساند. در شعر بسیاری از شاعران کلماتی بکار رفته که آگاهی به کیش میترا را نشان می‌دهد.

در چه کشورهایی معابد مهری بیشتری وجود دارد

در ایتالیا، انگلستان، رومانی، یوگسلاوی، آلمان و میانرودان (عراق کنونی)

یعقوب لیث

آورده‌اند که یعقوب دین مهری داشته است و از اصحاب غار لیث که همان شیر است لقب آئینی (و بوده) و معنی شیرمرد می‌دهد.

دست فلزی

گاهی دستی از میچ را با فلز ساخته و در یک کاسه قرار داده و آن را منسوب به امور تاریخی مذهبی می‌کنند و تقاضای کمک مالی دارند. علامت کف دست رو به مخاطب از نشانه‌های باستانی ایرانیان است و به این شکل ادای احترام به شخص یا قوم و یا ملتی می‌نمودند.

آلات موسیقی

چنگ که یک ساز موسیقی ایرانی است و در غرب به آن، هارپ می‌گویند. این ساز در مراسم دینی مهری مورد استفاده بوده. سُرنا و کرنا و شیپور و دف و نی هم به کار گرفته می‌شد که دومی و سومی را نوای چنگ می‌دانستند.

قند سائیدن روی سر عروس و داماد هنگام عقد

ساییدن قند به نیت بارش شیرینی و شادی بر سر عروس و داماد است که شادکام باشند. دو کله قند مساوی و یک شکل یعنی برابری عروس و داماد و باید توسط سه دختر سائیده شود. این سه دختر نمادی از الهه‌های ایران باستان یعنی اسپندارمز (الهه زمین)، آناهیتا (الهه آب و باروری و سرسبزی) و میترا (الهه عشق و نبرد) هستند که در آخر هم یکی، ظرف غسل و دیگری حلقه عروس و داماد را به آنان تحویل می‌دهند. اکنون می‌گویند سه بانوی ازدواج کرده سفیدبخت باید قند را بسایند.

مسیحیت و میترا

وقتی آئین میترا در اروپا توسعه پیدا کرد در تپه‌ای بنام کاپیتول در رم که در آن زمان قلب اروپا بود، معبدی وجود داشت که پیرمغان یعنی ارشدترین مقام مذهبی کیش میترا در آنجا بود. مسیحیان واتیکان را بر روی معبد میترائی ساختند و آن معبد همچنان در زیر کلیسای بزرگ واتیکان حفظ شده است ولی اجازه بازدید نمی‌دهند فقط عکسهایی از آن را اجازه انتشار داده‌اند. نام میدان بزرگ مقابل معبد میترا، میدان پیرمغان بوده که مسیحیان نام سنت پتر بر آن گذاشتند.

میترا و اروپا

آئین میترا در رُم، آلمان، اطریش، یوگسلاوی و مجارستان رشد زیادی داشته هرچند که در انگلستان هم معابد میترا وجود داشته است.

آخرین دوره میترائیسم در اروپا

در آخر قرن چهارم میلادی، مسیحیان شروع به کشتن پیروان آئین‌های دیگر و تخریب معابد آنان از جمله میترائیسم کردند. هرچند که قتل عام پیروان سایر ادیان صورت گرفت ولی از تاثیر معنوی و حتی ظاهری کیش میترا نتوانستند دور شوند.

مشعل المپیک – روشن کردن مشعل المپیک با نور خورشید

هزاران سال از مسابقات المپیک می‌گذرد. این شعله را مقدس شمرده و روشن نگه داشته و با انتقال آن به کشور محل برگزاری مسابقات، شروع آن را اعلام می‌دارند. آئین میترا قدمتی حدود هفت هزار سال دارد و از مرزهای ایران فراتر رفت. جنگ‌های بسیاری میان ایرانیان و یونانیان واقع شده و احتمال اینکه مقدس دانستن نور که آتش عامل تولید نور است از آئین میترا باشد وجود دارد. مشعل المپیک از طریق تمرکز ذره‌بین بر روی مشعل که نور خورشید باعث شعله‌ور شدن آن می‌شود باید روشن شود.

عشای ربّانی – شام آخر

میترا در آخرین شب تمام دوازده برج فلکی را به شام دعوت می‌کند و شراب که از خون گاو آفرینش است و نان که از گندم به عنوان اولین گیاه رسته بر روی زمین

بعمل آمده به آنان تعارف می کند و سپس بر گردونه خورشید که اسبهای سفید و چرخهای طلایی دارد زمین را ترک می نماید تا در آینده به خواست خداوند دوباره برگردد. در زندگی حضرت عیسی، او در شب آخری که همان شب دستگیر می گردد. دوازده نفر از حواریون را به شام دعوت کرده و قدری شراب بعنوان خون خود و کمی نان بعنوان گوشت خود به آنان می دهد تا هر کدام از آنها در جای پیام آوران مسیح باشند. اکنون مراسم شام آخر تحت اسم «عشای ربانی» توسط کلیسا برگزار می شود.

نامها

میترا الهه عشق و محبت پیمان و وفاداری است چون میترا و مهر را یکی دانسته نامهای مهرداد بخشش مهر و مهربان نگهبان مهر یعنی نگهبان محبت را هنوز در فارسی داریم.

فصل دوم:

بازشناخت

فصل دوم: باز شناخت

آناهیتا، میترا و آب

ستاره ناهید (آناهیتا) فرشته نگهبان عنصر آب است که اسم کاملش «اردوی سورآناهیتا» به معنی رود قوی و پاک است. بیدخت نام دیگرش است که یونانی‌ها آرتمیس و رومی‌ها «دیانا» خوانده‌اند و ظاهراً بت «عزی» در عرب سمبل همین ستاره بوده است. دوشیزه‌ای بسیار زیبا و خوش قد و بالا که حامی ازدواج و عشق پاک و بی آلایش است. تن‌پوش زرین تمام بدنش را می‌پوشاند و در دستش آویزه‌های گرانبها و در گوشش گوشواره‌های زرین و بر گردنش سینه آویزی از گوهر است. در معابد آناهیتا که در ایران باستان زیاد و مرسوم بوده در همدان، شوش و کنگاور بزرگترین آنها بوده راهبان حضور داشته‌اند. این معابد محل تقوی و پرهیزگاری بوده که بعد از مسیحیت تمام آنها تبدیل به کلیسا شده‌اند. در برخی از شهرها به کلماتی که دختر هم دارد برمی‌خوریم مثل پل دختر، قلعه دختر که احتمالاً بازمانده از دوره آناهیتا می‌باشد. در داستان موسی، مادرش او را در سبدي گذارده و به آب می‌سپرد یا عصایش را به سنگ می‌زند و دوازده چشمه آب جاری می‌شود یا دریا را می‌شکافد تا قومش از میان دریا عبور کنند نقش آب کاملاً آشکار است. در اسطوره‌ها آناهیتا مادر میترا است. در یک نقاشی کهن میترا برای رفع خشکسالی تیری به سوی صخره‌ای نشانه می‌رود و در محل اصابت تیر به سنگ، چشمه آب روان می‌شود. در اساطیر ایرانی گنبد آسمان از سنگ است و شاید تیری به سوی ابر آسمان پرتاب می‌گردد.

تینا - تیانا

هر دو یک کلمه با دو تلفظ هستند و اسمی از ایران باستان و به معنی چهار عنصر اصلی حیات یعنی آب، خاک، باد، آتش است.

میترا و عرفان

اصول میترائی، عرفان ایرانی را پایه‌گذاری کرده و حافظ، مولانا، هاتف و خواجه‌ی کرمانی و بسیاری دیگر شعرا در اشعار خود اشارات عارفانه کیش مهری را آورده‌اند. گاو را تشبیه به نفس انسان کرده‌اند که باید قربانی شود تا حیاتی نو بوجود آید. این موضوع در اشارات شهاب‌الدین سهروردی نیز آمده است.

در مراسم قربانی چون محفل همگانی پایان می‌یافت پیرمغان بعنوان مبلغ آئین مهر یا میترا پشت میزی می‌نشست و نان مقدس (یا گوشت گاو قربانی) و شراب هوم (نشان خون گاو آفرینش) بین یاران غار توزیع می‌شد.

نوا‌ی نی، چنگ، عود، بربط، عود، دف به گوش می‌رسید. آتش هم در آتش‌دان‌ها شعله‌ور می‌شد. در نقش برجسته‌ها، مردانی در مرحله شیر مردی خدمت می‌کنند و گاه این وظیفه را پوشندگان (نوجوانان میترائی) انجام می‌دهند.

میترا الهه مهرورزی و جنگ

میترا به فرمان خداوند به خورشید و با تابش نور خورشید به گل نیلوفر یا سنگ زاده می‌شود. مادر میترا، خورشید (مهر) است و به همین دلیل در نقاشی‌ها یا نقش سنگی یا مجسمه، یک فرزند در بغل مادر خورشید است که اگر در اروپا باشید فکر می‌کنید عیسی و مریم را می‌بینید. میترا به فرمان خدا دنیا می‌آید بنابراین پدر

جسمی ندارد و بسیاری بر این تصورند که داستان عیسی و مریم در حقیقت پیکره گردانی از زادروز میترا است.

میترا الهه است که در زبان پارسی نامی برای زن است. اگر این را بپذیریم یعنی قبول کرده‌ایم حدود هفت هزار سال پیش خداوند پیام آوری از بانوان برگزیده است و چنین تصویری آن هم مربوط به هزاران سال پیش ایرانیان را در پاسداشت زنان شاخص می‌کند. در سایر ادیان، پیامبران مرد بوده‌اند.

وقتی دین میترا به اروپا رفت، میترا به صورت مرد و با سن بالا و ریش‌های سفید درآمد. میترا الهه مهرورزی و پیمان است. هیچ‌کس نباید پیمان‌شکنی کند چه زن، چه مرد و در هر مورد که باشد و گرنه میترا او را مجازات می‌نماید.

سلاح‌های میترا

در گردونه مهر، هزار کمان وجود دارد. کمان‌هایی ممتاز با زه‌هایی محکم که چون با آنها تیر پرتاب شود با سرعتی فوق تصور به سوی هدف روان شده و عامل هلاک می‌گردد. تیرهای محکم با پرهای عقاب تزئین شده‌اند و بهتر از آن‌ها وجود ندارد. یک هزار شمشیر دو لبه تیز و برنده از پولاد، یک هزار خنجر دودم بسیار محکم، یک هزار گرز آهنین که سلاحی قدرتمند در دست میترا است.

میترا یاور حقیقت و راستی است. او با تیرهای طلائی که با کمان به سوی دشمنان حقیقت پرتاب می‌کند آنها را شکست می‌دهد. میترا گردونه‌ای که چهار اسب سفید با سُم‌های طلایی را می‌راند بر بالای صحنه‌های جنگ ظاهر می‌شود و سربازان حقیقت را یاری می‌کند.

میترا نگهبان خانواده

میترا حافظ و نگهبان خانواده است همچنانکه نگهبان ده، شهر و کشور هم هست. خانواده از ارکان میترائیسم است. اثرات سه اصل اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک پایه خانواده است. میترا الهه عشق و محبت هم هست که پیوند و ثبات خانواده را بوجود می‌آورد.

یونان

نام قدیمی یونان «هلن» بوده و یونانی را «هلنی» می‌گفتند. این نام از کلمه «هلیوس» به معنی خدای خورشید می‌آید. این نام «سل Sol» یعنی خورشید عنوان لاتینی میترا است. در اروپا بخصوص یونان و رُم، سُل یا هلیوس را معادل میترا می‌دانند.

میترا و عطوفت

میترا وقتی فرمان خداوند برای ذبح گاو آفرینش را دریافت می‌کند پاسخ می‌دهد که نمیتوانم موجودی را ذبح کنم. او پاسخ دریافت می‌کند باید این کار را بکنی چون حیات آغاز می‌شود. در نقاشی‌ها و مجسمه‌های میترا، میترا در لحظه ذبح گاو، غمگین و محزون است و سرش را برگردانده است.

میترا نگهبان قوم آریا

پنج قبیله همزاد، نژاد آریایی را تشکیل می‌دهند و میترا پیش از آنکه خورشید از پس کوه هرا (البرز) سر کشد وی با جامه زرین و زینت‌هایش از آن بلندی کوه به نگرش همه سرزمین آریایی (ایران) می‌پردازد.

حل اختلافات

اگر مشکل در درون یک خانواده بود با کدخدامنشی، اگر در یک قبیله بود یا رئیس قبیله و همین‌طور در یک شهر یا حتی بین دو کشور یا اتباع دو سرزمین جداگانه، قوانینی بود که براساس آن عمل می‌کردند و قاضی و اعضای مشورتی (هیئت منصفه) ترکیب مشخصی داشتند.

ایرانیان و الهه‌ها

در ایران به سه الهه، اسپندارمز (الهه زمین)، الهه میترا (جنگ و عشق) پیمان و وفاداری و آناهیتا (آب، باروری، سرسبزی) برمی‌خوریم. در یونان، هند، رم، تعداد زیادی الهه و خدایان که الهه بمعنی خدای زن و خدایان (خدای مرد) وجود داشته است. ضمن اینکه پانته‌آ الهه آتش، لیدا الهه باد بودند که چهار عنصر حیات را نمایندگی می‌کنند در کنار میترا نماد خاک و آناهیتا نماد آب.

دشمن میترا

منیژ یا میترا به معنی عهد و پیمان است و او نگهبان هر پیمان می‌باشد. دشمنان او «دروج» هستند که کلمه دروغ از همین مبنا است. دروج بمعنی نافرمانی و پای از

حدود قانون بیرون نهادن می‌باشد. میترا دشمن بی‌امان دروغ و دروغگویان است و هیچ‌کس نمی‌تواند به او دروغ بگوید. میترا از دروغ بیش از هر خلاف‌آزرده می‌شود. دروغگویان دشمنان میترا هستند.

میترا نماینده اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک

پیکر مهر کلام ایزدی است. او دشمن دروغ است و از کلام راستین آگاه می‌باشد. میترا نماینده اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک است. این سه اصل در آئین زرتشتی نیز وارد شد.

مهر نخستین ایزد سحرگاهی

میترا نخستین ایزدی است که پیش از خورشید فناپذیر، تیزاسب در بالای کوی هرا برآید و قدرتمندانه تمام منزلگاههای آریا را می‌نگرد. او زورمندی بی‌خواب است که به پاسبانی مردم می‌پردازد.

میترا الهه نور و روشنایی

میترا الهه نور و روشنایی است. مهر، خورشید است و میترا، امواج نور آن و از آن زمان نور وجهی الهی و خداگونه دارد. تمام پیروان از نور خدایی بهره‌مند می‌شوند.

چگونه آئین مهر وارد مسیحیت شد

آئین مهر در رُم گسترش یافته بود و در محل تپه واتیکان یک معبد مهری وجود داشت که پیرمغان در آن می‌زیست و میدان مقابل آن هم نام «پیرمغان» داشت که بعد از مسیحیت به میدان سنت پیتر تغییر نام داد.

کنستانتین امپراطور رُم در سده چهارم میلادی می‌خواست دین رسمی برای کشورش تعیین کند. او به این نتیجه رسید که اگر آئین میترائی را برگزیند از نظر معنوی همواره تحت تاثیر ایران می‌بود که در آن زمان با ایران در جنگ و ستیز بود. او به پیر مغان پول زیادی داد و او را به عنوان اولین پاپ برگزید و وی نیز تمام آداب مهری را وارد مسیحیت کرد. عنوان «پاپ» معادل «پیر» در کیش مهر است. لباس و کلاه و مراسم مسیحی تقریباً با آئین میترا یکی است.

فصل سوم:

اصول

فصل سوم: اصول

تزئین شب تولد میترا (شب یلدا - شب چله)

ایرانیان شاخه‌ای از درخت سرو یا کاج را در منزل یا معبد میترائی آورده و آن را تزئین می‌کردند. این سنت در کنار استفاده از خشکبار و میوه قرمز رنگ (رنگ محبوب میترا) مثل انار و هندوانه زمینه ساز جشن تولد میترا بود. شمع در آئین میترا باید سه، چهار، پنج، هفت یا دوازده شمع روشن می‌کردند. اعداد مقدس بودند. روشن کردن یک شمع معمول نبوده است.

مراسم عمومی و خصوصی

مراسم عمومی معمولاً در فضای باز برگزار می‌شده و زن و مرد و کودک و بزرگسال در آن شرکت می‌کردند ولی مراسم خصوصی، پشت درهای بسته و فقط با حضور خدمتگزاران رسمی میترا روی می‌داده است.

مغ

مغ یک مقام مذهبی در کیش میترا است که یونانی‌ها آنها را «ماگوس» می‌نامیدند و کلمه مجوس لفظ عربی همین کلمه می‌باشد. عنوان «ماگوس» در انگلیسی به Magic مجیک یعنی جادو تبدیل شده چون معتقد بودند مغان بخاطر اطلاع از نجوم و پزشکی و ریاضیات، به نوعی جادو می‌کنند. مغان ایرانی باید ریاضیات، فیزیک، پزشکی، نجوم، علوم دینی را فرا می‌گرفتند. در حالیکه در سایر ادیان فقط علوم دینی باید یاد گیرند.

مراحل مذهبی مغان

هفت مرتبه و جایگاه برای کسی که می‌خواست روحانی میترائی (مهری) بشود وجود داشت که به ترتیب زیر است:

سرباز - کلاغ - خروس - همسر - شیر - مرد پارسی - پیر مغان

این عناوین در ارتباط با هفت ستاره، کیوان، خورشید، ماه، تیر، اورمزد، بهرام، ناهید (زحل، خورشید، ماه، عطارد، مشتری، مریخ، زهره) هستند.

بازگشت ناجی

در آخر مرحله، میترا بدستور خداوند به همراه ارابه‌اش به آسمان می‌رود تا زمانی که اراده خداوند باشد بازگردد. این اعتقاد به وجود ناجی به تمام ادیان راه یافته است.

شب اول مرگ

در آئین میترائی پس از مرگ دو دیو بر سر مرده حاضر می‌شوند. اولی مرده را کفن می‌کند. دومی با گرز بزرگی حاضر می‌شود و فشار زیادی بر جسد وارد می‌کند که این را به فشار قبر تعبیر کرده‌اند.

چرا روز سوم پس از مرگ مهم است

باور رایج بود که پس از مرگ یک روز روح باید کارنامه اندیشه نیک، روز دوم کارنامه گفتار نیک، روز سوم کارنامه کردار نیک را دریافت می‌کند. درواقع روز سوم هر سه کارنامه را دریافت کرده و تعیین تکلیف می‌شود.

گذاردن چراغ بر سر قبور

نور نماد ایزد تعالی است هنوز هم در ایران بر سر قبور بخصوص در چند شب قبل از نوروز چراغ فانوس می‌گذارند. رفتن بر سر مزار رفتگان از سنت‌های خوب ایرانیان است که سنتی باستانی می‌باشد.

تکرار آفرینش

اعتقاد پیروان میترا بر این بود که میترا هر بار آفریده شود آفرینش و حیات آغاز می‌گردد. هرگاه که همه چیز به پایان برسد پس از مدتی بار دیگر آفرینش و تمامی حکایت تکرار می‌شود، پس شاید تاکنون بارها این مراتب روی داده باشد.

دوزخ و جهان واپسین

آنچه بعنوان دوزخ و جهان واپسین در ادیان وجود دارد قبلاً در آئین میترا آمده است. خلاصه اینست که وقتی کسی از دنیا می‌رود سه مرحله اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک را طی می‌کند و کارنامه‌اش را دریافت می‌نماید. اگر کارنامه در مجموع مثبت باشد به پلی بنام چینوت می‌رسد و اگر اعمالش خیر و نیک بوده پل به چشم او عریض می‌رسد و به آن طرف پل رسیده و به نور جاودان می‌پیوندد. چنانچه عملکرد او منفی باشد پل به نظر او باریک دیده شده و از بالای آن به جای تاریک و سردی بنام «زمهریر» سقوط می‌کند. او آنقدر آنجا می‌ماند تا از گناه پاک شده و او هم به روشنایی جاودان و پایدار پیوندد.

فره ایزدی

فره بمعنی نور است و باور عمومی بود که هرگاه خداوند بخواهد به کسی، بزرگی عطا کند. نوری به سوی او می‌فرستد. نام این نور «فر ایزدی» است. در کتب آمده که این «نوید» نوری به وسیله یک پرنده مانند عقاب برای دریافت کننده ارسال می‌شود. شخصی که رفتار نیک داشته باشد فره ایزدی با او می‌ماند ولی هرگاه از اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک خارج شود، فره از او دور می‌شود. تا وقتی فره

با کسی است وی در سعادت و قدرت است. در برخی کتب «فره» به شکل گوسفند تجلی یافته است. در کل اینکه هرکس فرّ ایزدی به او برسد قدرت و شاخص شدن نصیبش می‌گردد.

در میترا ئیسم مرگ مقدس وجود ندارد

میترا شب یلدا بدنیا می‌آید بنابراین جشن تولدش را تحت عنوان مراسم شب یلدا می‌گیریم ولی هنگامیکه خداوند احضارش می‌کند به آسمان می‌رود. میترا مرگ ندارد. در کیش میترا غم فوت میترا یا پیروان صاحب مقام او وجود ندارد. جشن‌های میترا مانند غسل تعمید نوجوانان و قربانی برای خداوند همه نشاط و شادمانی دارند.

تعطیل کردن کار در آیین میترا گناه است

میترا همه را توصیه به اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک می‌کند. تعطیل کردن فعالیت جزو کردار نیک نیست. این سه اصل در زرتشتی گری نیز وجود دارد ولی ریشه‌اش در آئین میترا است.

میترا و هاله نور

میترا فرزند خورشید است و خود نیز مانند خورشید، درخشنده است. در نقاشی‌ها دور سر او هاله‌ای از نور رسم می‌کردند یعنی از صورت او نور به بیرون می‌تابد. این سنت از کیش مهر به تمامی ادیان راه یافته است چراکه خداوند نور است و فرستاده او هم باید همراه نور باشد. آئین میترا آغاز کننده تصویر نور در اطراف سر است و در

مجسمه آزادی واقع در آمریکا این شکل به صورت انوار نور در اطراف سر نمایش داده شده است. برخی معتقدند مجسمه الهه آزادی در آمریکا برداشتی از میترای ایرانی است.

مقامات مذهبی برای زن و مرد

زن‌ها هم می‌توانسته‌اند در سلک خدمتگزاران میترای درآیند ولی منصب پیر مغان فقط برای مردها بوده است.

نشان صلیب – صلیب شکسته

ایرانیان باستان معتقد بودند دنیا از چهار عنصر آب، باد، خاک، آتش تشکیل شده است. این چهار عنصر را به شکل علامت (بعلاوه – که صلیب یا چلیپا هم نامیده می‌شود) نشان می‌دادند. صلیب میترائی دارای چهار ضلع مساوی است + تفاوت صلیب مسیحی در اینست که ضلع پایه بلندتر از سه ضلع دیگر می‌باشد در آئین میترای هر چهار عنصر بطور یکسان در حیات نقش دارند بنابراین هر چهار ضلع مساوی است. برای شروع زندگی لازم است این چهار عنصر به گردش دربیایند که علامتی درمی‌آید که مردم امروزه آن را بعنوان علامت هیتلر می‌شناسند ولی درواقع گردونه مهری است. این نشان هفت هزار ساله ایرانیان است. گردش در جهت عقربه‌های ساعت شادی‌آور عکس آن غمبار است. در اروپا برای آن رنگ‌هایی در نظر گرفته‌اند که رنگ‌های روشن شادی‌آور است.

روز تولد مسیح در واقع روز تولد میترا است

هنگامیکه در مسیحیت خواستند برای تولد مسیح، روزی را تعیین کنند تاریخ‌های مختلف از سوی فرقه‌های گوناگون مسیحی پیشنهاد شد. درواقع تاریخ تولد مسیح معلوم نیست. گروه اکثریت روز بیست و پنج دسامبر که مطابق تاریخ آنها روز تولد میترا است برگزیده شد. اگر دو، سه روز بین شب یلدا و شب تولد مسیح (ع) فاصله است از نظر محاسبات نجومی و اختلاف نظر در آن مورد است. از شب یلدا، تاریکی هر شب یک دقیقه به عقب می‌رود و به روشنایی که ایزدی است اضافه می‌گردد. تاریکی که اهریمنی است جای خود را به نور، اهورائی می‌دهد.

فصل چہارم:

مناسک

فصل چهارم: مناسک

یکشنبه

روز یکشنبه روز تعطیل و روز دعا در آئین میترا بوده است. هنگامیکه این آئین وارد اروپا شد روز یکشنبه را Sunday یعنی روز خورشید نامیدند و آنها نیز به دعا اختصاص می دادند.

از نشانه های میترائی (میله رو به بالا)

میله رو به بالا در واقع یک تیر (پیکان) است که رو به بالا قرار گرفته و درواقع نشانه ای از این است که میترا الهه جنگ نیز هست. میترا پیروان حقیقت و کسانی که در راه حقیقت می جنگند را هدایت و پشتیبانی می کند. او با ارابه ای که چهار اسب آن را می کشند از آسمان می آید و بر دشمنان راستی، تیر طلایی می بارد. میترا باعث پیروزی پیروان راستی می شود.

خون

در آئین میترا از ریختن خون گاو بر زمین، گیاهان می رویند. خون نشانه زندگی است. سالی یکبار در مهرابه، گاو ذبح می شد. مردم سعی می کردند خود را با خون گاو رنگین کنند و به افراد مورد علاقه نیز اثری از خون روی صورت یا پوست آنها می گذاشتند تا برکت داده شوند و از بدی دور گردند.

امروزه وقتی مردم اتومبیل می‌خرند یا منزل نو یا کالایی همانند اینها، با کشتن حداقل یک مرغ یا خروس و مالیدن خون آن بر روی بدنه اتومبیل، همان نیت را می‌کنند.

حلقه

حلقه از نشانه‌های اصلی آئین مهری است و معنی آن محبت می‌باشد. حلقه با یک قطر ثابت در تمام طول دایره و بدون گوشه تیز است و آغاز و پایان ندارد. زمانی که جنگی بین ایران و روم رخ داد و عده‌ای رومی اسیر شده و مدتی در ایران ماندند، آنان با این کیش آشنا شدند. آنها در بازگشت به کشورشان، فرهنگ میترائی از جمله حلقه را به اروپا بردند سپس آن را کوچک کرده و در زمان پیمان بستن چه نامزدی باشد یا عروسی به انگشت مخاطب می‌نمودند که مفهوم پایداری در عهد و پیمان و ضمناً عشق و محبت دارد.

شراب هوم

پیروان میترا معتقد بودند برای رسیدن به خدا با عقل نمی‌توان رفت و باید از خود، بیخود شد. راه رسیدن را در نوشیدن شراب قرمز که در آن چند گیاه از جمله شاهدانه برای مدتی در آن خیسانده باشند می‌دانستند. ترکیب این نوشیدنی از رازهای مغان بوده است. در هر مهرابه فقط یک نفر روش ساخت آن را می‌دانست و مهرابه‌های کوچک سهمیه‌ای از مهرابه‌های بزرگ دریافت می‌کردند. این نوشیدنی رازآلود را «شراب هوم» می‌گفتند.

نان و شراب

هنگامیکه میترا گاو اولیه را ذبح می‌کند از خون گاو که بر زمین می‌ریزد گیاهان می‌رویند و از گوشتش جانوران بوجود می‌آیند. در مراسم مذهبی از شراب بجای خون و از نان به جای گوشت استفاده می‌کردند که هر دو متبرک تلقی می‌شدند. این سنت وارد مسیحیت شد و اکنون جاری است البته آنان می‌گویند عیسی (ع) در شام آخر جرعه‌ای شراب و تکه‌ای نان به حواریون خود داد و گفت شراب خون من بود که در رگهای شما جاری شد و نان هم تن من و اکنون هرکدام از شما پاره‌ای از تن من هستید. تشابه مراسم ایرانی میترا با آنچه مسیحیت برداشتی از آن کرده قابل توجه است.

غسل تعمید در میترائیسم

نوجوانان معتقد به آئین مهری در اولین روز پاییز در سالی که به سن بلوغ می‌رسید که برای دختران چهارده سال و پسران هفده سال بوده باید در معبدی که نزدیک رودخانه بود حاضر می‌شدند. آنان باید پیراهن سفید بلندی بر تن می‌داشتند و وارد رودخانه می‌شدند سپس به زیر آب رفته و بیرون می‌آمدند. این عمل بمنزله شروع مسئولیتهای اجتماعی آنان بود. این عمل در مسیحیت نام غسل تعمید گرفت. نوجوانان پس از غسل تعمید می‌دانستند که دیگر، کودک محسوب نشده و باید در مقابل اعمالشان پاسخگو باشند و اگر خلافی کنند مجازات می‌شوند.

دعا - توبه - نذر - نماز

تاریخ‌نگاران گفته‌اند که دعا کردن در مهرابه‌ها شروع شد و نماز کلمه‌ای ایرانی و پارسی بمعنی نیایش کردن است. دعا خواندن در مهرابه‌ها را نما می‌گفته‌اند. توبه کردن به معنی بازگشت کردن و دوری کردن از گناه هم از کیش مهری است. در مورد نذر، معتقد بودند که هدیه به خداوند است و باید جامد باشد که نان یا حلوا یا گوشت متداول بود. افرادی که نذری را می‌خوردند در غذای خداوند شریک می‌شدند. نذر شربت یا نوشیدنی را نوشخواره می‌گفتند که در مناسبت‌های خاصی صورت می‌گرفته است.

غم خواری - شادخواری

پیام همراهی و ابراز همدردی با صاحب غم دارد. در قدیم بین ای یاران (عیاران) میترا رسم بود هرگاه می‌شنیدند غمی برای یکی از آنان پیش آمده است مجلسی می‌آراستند و شراب می‌نوشیدند. آنان می‌گفتند ما غم ترا می‌خوریم تا چیزی برای آزارت نماند و این را غمخواری می‌گفتند. دلیل اینکه شراب باعث مستی شخص می‌شد که غم را از یاد می‌برد و به شادخواری هم معروف است.

نقاره‌خانه

در هنگام طلوع و غروب خورشید و در نقطه بلندی با ابزار موسیقی آن زمان که چنگ، نی، سُرنا، دف، سُرنا (نوعی بوق یا شیپور بلند)، کوس (نوعی طبل بزرگ) بود سرود می‌نواختند. افرادی موظف بودند هر روز هنگام دمیدن خورشید و پنهان شدن آن با ابزار موسیقی خود که بعدها به آن نقاره‌خانه گفتند خبر آمدن نور و

غایب شدن تاریکی را به مردم بدهند. ارتفاع محل در زمانی که وسایل امروزی رساندن صدا نبود کمک می کرد که موسیقی مربوطه به گوش همه برسد.

نمک و سق نوزاد

هنگامیکه نوزادی به خانواده می آمد، بزرگ مذهبی یا بزرگتر خانواده باید انگشت خود را در آب خیس کرده، دهان نوزاد را باز نموده و نمک به سق دهان (سقف دهان) بمالد تا نسبت به پدر و مادر و دیگران نمک شناس شود. در قدیم نمک را نماد محبت و فلفل را نماد دشمنی می دانستند.

رنگ لباس

پیر مغان لباسی قرمز با کلاهی قرمز رنگ استفاده می کند که اکنون پاپ رهبر واتیکان همان را استفاده می کند. در برخی مراسم پیر مغان از لباسی ارغوانی استفاده می کرده، پیروان میترا باید لباسی سفید و بلند به تن کنند و همه پیروان با چنین لباسی در دعا حاضر می شدند.

فرش قرمز

در مراسم خاص برای مسیر پیر مغان تا هفت سکو و بر روی آن سکوها فرش قرمز رنگ پهن می کردند. قرمز رنگ محبوب میترا است و از قرمزی هوا در ابتدای طلوع و سرخی آسمان هنگام غروب خورشید می آید.

روز زن

در آئین میترا روزی بنام روز زن بوده که افراد به همسر، مادر، دختر، عمه، خاله یا خواهر خود هدیه می‌دادند. این روز به نام الهه زمین، اسپندارمز نامیده می‌شد. در اروپا داستانی می‌گویند که کشیشی در دوره امپراطوری رُم و زمان جنگ که سزار عقد دختر و پسر جوان را ممنوع کرده بود، آنان را به ازدواج یکدیگر درمی‌آورده این کشیش بنام «والنتاین» بوده که بعد بخاطر تخطی از دستور سزار اعدام می‌شود. جالب است بدانید آئین مهر حدود هفت هزار سال قدمت دارد و امپراطوری رم دو هزار سال پیش بوده، اقتباسی از آئین و حتی رنگ قرمز آن است و آنچه محتمل است چنین کشیشی وجود نداشته فقط اروپا نمی‌خواهد بگوید در بزرگداشت زن، دنباله روی ایران بوده‌ایم هرچند اگر سنت والنتاین هم وجود داشته سابقه اسپندارمز بسیار دورتر از تشکیل حکومت رُم است.

دو دعای میترائی

دعای اول: ای میترا، تو ما را یاد باش. ای میترا به تو دروغ نتوان گفت. دشمنان ما را به بیم و هراس افکن، چون توئی که می‌توانی نیروهایشان را بازستانی و درمانده‌شان سازی. کسی که از روی خلوص نیت، مهر را بستاید در پیکارگاه از گزند سلاح دشمن، هرچند که چابک باشد در امان بماند.

دعای دوم: ای میترا، این سرودهای ما را بشنو، ستایش و عبادت ما را بپذیر. کام ما را روا کن، فدیّه و نیازمان را بپذیر و در میان جمع دوستانت فرود آی. پیمان‌ات برای شادی پیروانت استوار است. اینک کام ما را برآر. آنچه خواستاریم،

پیروزی، کامرانی، نعمت، نیک‌نامی، آسایش وجدان و درک علم و معرفت و تمیز کامل است در حقایق، تا در سایه این نعم و نیروها بر دشمنانمان پیروز شویم و آنان را درافکنیم. دیو یسنان و جادوان را نابود سازیم.

سروش

کلاغ رساننده پیام عرش اعلی است و پیام میترا را می‌رساند. در برخی کتابها آمده که میترا مستقیم پیام را دریافت می‌کرده است. گروهی میترا را «سروش» یعنی آورنده خبر از عالم بالا می‌دانند. عده‌ای او را داور روز جزا می‌شناسند. افرادی وی را مایه رشد و بقای گیاهان و جانوران گفته‌اند.

نقش‌های جنگی

گرز: برای کوبیدن بر سر دشمنان حقیقت و راستی. گراز: با دندان‌های تیز، چنگال قوی، پاها و دم و فک قوی که جلوی میترا می‌دود و دشمنان را با یک ضربه کنار می‌زند.

دشمنان

میترا دشمن بی‌امان دروغ و دروغگویان است. کسی نمی‌تواند به او دروغ بگوید. میترا از دروغ بیش از هر چیز و خلاقی آزاده می‌شود. هر جا که دروغ باشد و دروغگوئی، وی به تندی بدان سو می‌رود و دروغگویان را به سختی کیفر می‌دهد. دروغگویان هم دشمن میترا هستند.

اسم مستعار

وقتی کودکی بدنیا می‌آمد او را نزد پیر مغان می‌بردند. او از کاسه آب مقدس انگشت را خیس کرده و یک بعلاوه روی پیشانی کودک می‌کشید. نشان بعلاوه که شکل صلیب دارد در آئین میترا بمعنی چهار عنصر اصلی حیات یعنی آب، باد، خاک، آتش است.

والدین یک نام برای تازه متولد انتخاب می‌کردند. زمانی که نوجوان به چهارده سالگی می‌رسید و آئین غسل تعمید را بجای می‌آورد آن وقت خودش اختیار تعیین نام دائمی برای خود دارد که نام اولیه از آن زمان بعنوان نام مستعار تلقی می‌گردد.

هوم

شراب خالص را با برخی گیاهان ترکیب کرده و برای مدتی می‌گذاشتند تا در هم ترکیب شوند و هر چند ترکیب اصلی آن رازآلود مانده ولی برخی معتقدند یکی از گیاهان، شاهدانه بوده است. مراسم مذهبی پیروان میترا یعنی روحانیون گاه تا یک شبانه‌روز طول می‌کشیده است. نوشیدنی هوم توان لازم برای چنین مراسمی را تأمین می‌کرده است. در هر محرابه بسته به بزرگی و کوچکی آن، از یک تا چهار نفر به ترکیب‌اش آشنا بوده‌اند.

تسبیح

تسبیح در آئین میترا رشته‌ای شامل سی دانه بوده یعنی به عدد روزهای برج براساس تقویم آن زمان و پنج روز آخر سال را پنجه می‌گفتند. دانه‌های تسبیح که سی عدد بود به هم بسته می‌شد و بابت پنج روز آخر سال، یک گره در محل اتصال

سر و ته رشته به وجود می‌آمد که دارای پنج دانه بود. روزهای ماه (برج) و سال براساس حرکات نجومی بوده و در این آئین تاثیر ستارگان بر زندگی بشر مهم بوده و در نشانه‌های میترائی این اثر را می‌بینیم.

سلام دادن

دو روش برای درود (سلام دادن) در آئین میترائی بوده یکی اینکه دست را در کنار بدن از آرنج به بالا قرار داده بطوری که کف دست رو به مخاطب باشد. دومی اینکه دست راست را رو به بالا با کمی شیب گرفته و از کمر به بالا می‌آوردند در حالیکه انگشتان باز است و کنار هم قرار دارد. دست بتدریج بالا می‌آید که همانندی با طلوع و بالا رفتن خورشید دارد.

در دوره هیتلر از این سنت آریایی اقتباس شد ولی اکنون دست دادن جای آن را گرفته است.

جام هفت خط

یک جام شراب قرمز (اصولاً هرگاه در متن‌های ایرانی نام شراب که در کشور ما «می» نامیده می‌شد بیاید منظور شراب قرمز است) که هفت خط با نامهای مختلف روی آن بود، می‌آوردند و برای هرکس بنا بر شناخت یا به گمان تا خط معینی شراب ریخته و شخص باید آن را می‌نوشید. این سنت بعدها در دربار پادشاهان هخامنشی، اشکانی و ساسانی نیز رعایت می‌شد. خط فرودینه، خط بغداد، خط نیشابور، خط بصره و خط هفتم را «جور» می‌گفتند و اگر برای کسی تا خط «جور»

پر می کردند و او نمیتوانست بنوشد از دوستی تقاضا می کرد که جور او را سر بکشد.
این اصطلاح بعدها خلاصه شد به اینکه «جور مرا بکش».

شنای بانوان

میترا الهه عشق و جنگاوری و آناهیتا الهه آب و باروری است. آناهیتا را مادر میترا نیز می دانند. بانوان از درگاه میترا طلب عشق کرده و در آب استخر، رودخانه یا دریا شنا کرده و از آناهیتا خواهان باروری می شدند.

مهر مقدس

یاران میترا پس از گذراندن اولین مرحله آزمون و قبولی در آن، بر روی مچ دستشان مهر میترائی نقش می شد. افرادی که به مرحله شیر رسیده بودند یعنی به اصطلاح امروزی، شیرمرد، بودند میتوانند متقاضی مهر دیگری شوند که بر پیشانی آنان نقش می شد و معرف رعایت تمام قواعد میترائی بود. این رسم بعدها در ادیان دیگر نیز وارد شد.

نان مقدس

در این آئین اولین گیاهی که روئیده تاک انگور و سپس گندم بوده است. در مراسم مذهبی نان های کوچکی به شکل صلیب به یاد چهار عنصر آب، باد، خاک، آتش، پخته و بین پیروان تقسیم می شد.

برادری

پیروان میترا در کنار هم می‌نشستند و مقام اجتماعی یا ثروت ارزشی در محل نشستن ایجاد نمی‌کرد. افراد یکدیگر را برادر یا خواهر می‌نامیدند. مومنین میترائی به صورت دایره‌وار می‌نشستند که شکل حلقه خورشید است و بالا و پایین ندارد البته در معابد مهری اروپا، نیمکت‌ها به شکل مدارس نیز دیده شده است. ایرانیان باستان بر روی صندلی و نیمکت می‌نشسته‌اند و روی زمین نشستن رواج نداشته است. در کیش مهری مردان برابر محسوب می‌شدند و نیاید در نامیدن یکدیگر از القاب و عناوین استفاده کنند. این وضعیت باتوجه به حضور میترا در رأس این آئین بسیار جذاب است. پیروان میترا مسئولیت سنگینی در پاسداشت حقوق یکدیگر داشتند.

درود میترائی – سلام میترائی

سه روش وجود داشت:

- ۱- در مقابل میترا باید آنچه سلام نظامی است انجام داد چون دست را در مقابل چشمان بصورت سایبان می‌کردند یعنی نمی‌توانم نور بسیار زیاد میترا را ببینم.
- ۲- در مقابل یکدیگر دست راست را مستقیم نگه داشته و بتدریج بالا می‌آوردند به شکل طلوع و بالا رفتن خورشید و این روش برای پیروان و هم‌کیشان بوده است.
- ۳- دست راست را در کنار پهلوی راست بگونه‌ای می‌گرفتند که آرنج نزدیک کمر باشد و کف دست را باز نگه می‌داشتند که معنی سلام و دوستی نسبت به غیر از پیروان میترا باشد. انگشتان باز یا بسته بمعنی امواج نور خورشید است.

آئین شمع روشن کردن

تعداد سه، چهار، پنج، هفت یا دوازده شمع روشن می کردند که اعداد مقدس بودند و روشن کردن یک شمع معمول نبوده است.

زنگ – ناقوس

در تمام مراسم میتزائی مانند دعا خوانی و جشن از زنگ که به آن ناقوس هم گفته می شود استفاده می شد. درواقع این رسم از ایران به اروپا رفته است.

تدفین مردگان

مردگان را رو به شرق یعنی جهت طلوع خورشید قرار می دادند. هنوز هم دعای «خدا نور به قبرش ببارد» را داریم دلیلش این است که وقتی رو به شرق و غرب دفن می کردند خورشید از اول طلوع تا هنگام غروب به آن می تابد. باور عمومی بود اگر کسی مراحل سلوک معنوی آئین میتزائی را طی کرده ضمناً در جنگ با دشمنان راستی و حقیقت کشته شده باشد یگراست به بهشت جاودان می رود.

دوستکامی

در مراسم سوگواری یک جام بزرگ فلزی می گذاشتند و درون آن را پر از شراب می کردند. حاضرین باید یک پیاله از شراب را به یاد متوفی می نوشیدند و درواقع به شادی و کامرانی فرد از دست رفته در جهان دیگر می نوشیدند. جام دوستکامی اکنون نیز در سوگواری ها استفاده می شود که در آن آب یا شربت می ریزند. در آئین

مهری هر نفر یک پیاله از شراب بر روی خاک متوفی می ریخت و دوستکامی را بر سر مزار نیز می گذاردند.

مهره مهر (مهره مار)

در آئین میترا یک تصویر از الهه میترا یعنی بانوئی که از سر و صورت و نیز اطرافش نور پراکنده می شود را در یک حلقه می ساخته اند. این حلقه سه ضلع در راست و چپ و پایین و یک نیم قوس در بالا داشت. تندیس میترا در وسط آن قرار می گرفت که به آن مهره مهر می گفتند. این مهره بصورت گردنبند استفاده می شده است. از مهره مهر، نمونه هایی در موزه های جهان هست. قرن ها بعد آن را به مهره مار تغییر دادند تا هویت ایرانی آن گم شود. در باور مردم، مهره مار هنگام جفت گیری از مار جدا می شود در حالیکه مار اصلاً جزو بی مهرگان است و جدا شدن مهره از مار صحت علمی ندارد.

گود زورخانه

گود زورخانه شکل دایره ای دارد که نشانی از خورشید است. دایره بودن این امتیاز را می دهد که بالا و پایین ندارد و هرکس در هر جا قرار گیرد مانند دیگران است. گود بودن و قرار گرفتن ورزشکاران در آن بمنزله تواضع و فروتنی نسبت به دیگران است.

تقدیر (قضا و قدر)

اعتقاد بر این بود که افراد ناگزیر از پیروی تقدیر خود هستند و فقط در صورتی که از خداوند درخواست کمک کنند پذیرفته می‌شود. تقدیر مردم ممکن است تغییر کند. کلمه «تقدیر» در آئین باستانی ایران «بخت» است و اصطلاحات سفیدبخت و سیاه بخت که همچنان در پارسی رایج است از همین ریشه می‌باشد.

تفال - پیشگویی

رسم بر این بود که مغان بر اساس شکل‌های فلکی تفال می‌کردند و آن را تفسیر و تعبیر و اعلام می‌نمودند. پیشگویی برای آماده شدن جهت بدی‌های احتمالی مانند خشکسالی، سیل، بروز بیماری‌های مسری، شکست یا پیروزی در جنگ و امور عمومی بوده است.

روش دیگر برای پیشگوئی، بررسی جگر حیوان قربانی بود که شرح آن جداگانه آمده است. مغان علاوه بر علوم دینی باید در ریاضی، پزشکی، نجوم هم اطلاع کامل می‌داشتند.

تعداد ورودی‌ها در مهرابه

مهرابه‌ها در زیرزمین‌ها و داخل غارها آماده می‌شده و در هر مهرابه، هفت در وجود داشت. این هفت در نشانگر هفت مرحله سلوک بود و هشتمین ورودی نشانه آسمان هشتم که جایگاه خداوند است، بود.

زمان قربانی کردن گاو

در ابتدای فروردین، قربانی کردن گاو انجام می‌شد. اساطیر میترائی عنوان می‌کند که از خون گاو آفرینش گیاهان روئیدند. اولین گیاه، انگور، دومی «گندم» بود. قربانی در شب یلدا هم که تولد میترا است این کار صورت می‌گرفته.

نماز

نماز کله‌ای پارسی بمعنی نیایش کردن است و برخی آن را از کلمه پارسی نما به همین مفهوم می‌دانند. خورشید مورد احترام و ستایش (نه پرستش) بوده و بنا به گردش خورشید، مومنین باید پنج بار نماز برگزار می‌کردند که قبل از طلوع، طلوع، نیمروز، عصر و غروب بوده است.

روزه گرفتن

روزه گرفتن در آئین مهری برای مردم عادی معادل بیست روز در ماه بوده و سالی یکبار صورت می‌گرفته است. مغان میترائی باید حداقل دوبار در سال و هر مرتبه معادل چهل روز برگزاری مراسم روزه داشتند.

اعداد مقدس

عدد سه: اندیشه نیک – گفتار نیک – کردار نیک

عدد چهار: آب – باد – خاک – آتش (چهار عنصر حیات)

عدد هفت: هفت ستاره بخت (شاید برگزاری مراسم شب هفت برای رفتگان از این آئین بیاید)

عدد دوازده: دوازده شکل فلکی

عدد چهل: عدد تکامل است (اگر چراغ سقفی چند شعله نور داشته باشد به آن چلچراغ می‌گوییم درحالی‌که اکثراً تعداد شعله‌های نور بسیار کمتر است).
در آئین میترا، مغان باید روزه‌های چهل روزه می‌گرفتند.

نشستن در مهرباه (معبد میترائی)

در تمام معابد میترائی که برخی از آنها به عنوان آثار باستانی بجا مانده‌اند. در مقابل مهرباب دو ردیف نیمکت بوده که مومنین به میترا روی آنها می‌نشسته‌اند و اکنون در کلیسا همین حالت دیده می‌شود. در مقابل این نیمکت‌ها هفت پله سنگی بوده که پیرمغان از آن بالا می‌رفته و رو به حضار دعا می‌کرده در آئین‌های دیگر نیز همین روش دیده می‌شود.

مراسم نقاب‌ها

در مراسم مذهبی میترائی که گاه تا یک شبانه‌روز طول می‌کشید افراد بسته به جایگاه رسمی خود باید نقاب به صورت می‌زدند. افراد در رده کلاغ، شیر، نقابهایی از شکل این حیوانات بر چهره می‌زدند و رقصی برابر حرکات آن حیوانات می‌کردند. در اروپا این سنت میترائی نسخه برداری شد و مهمانی‌هایی برگزار می‌گردید که افراد با نقاب در آن حضور می‌یافتند. این مهمانی بال ما سکه نامیده می‌شود که بال بمعنی جشن و ماسکه همان نقاب است.

چه سنت‌هایی از آئین میترا شروع شده‌اند

قربانی کردن، شست و شو (غسل تعمید)، روزه، چله‌نشینی، رقص آئینی، همسرانی دینی (گروه‌گر)، نذر کردن، دعا کردن همگی از آئین میترا به ادیان دیگر رفته‌اند.

تولد

اهمیت تولد برای ایرانیان چنین بود که ببینند در سالی که گذشت چه کرده‌اند و برای سال جدید چه برنامه‌ای دارند بنابراین جشن تولد مفهوم ارزیابی از عملکرد شخصی داشت.

چهارشنبه سوری

سور به معنی جشن است و البته مفاهیمی مانند سرخی نیز دارد. این جشن که در آخرین سه‌شنبه سال و هنگام شب برگزار می‌شود چون شب چهارشنبه است به چهارشنبه سوری شناخته می‌شود اما درواقع، سه‌شنبه است. سه‌شنبه منسوب به ستاره بهرام (مریخ) است که ستاره سرخ رنگ می‌باشد. آتش از عناصر پاک چهارگانه آب، باد، خاک، آتش است. این عناصر بوجود آورنده حیات هستند و مردم از یکی از این عناصر خواهان سلامتی می‌شوند. جشن آتش سابقه بسیار باستانی دارد و مردم معتقد بودند که شخصی بنام پیروز که در غربی «فیروز» تلفظ می‌شود چون اعراب حرف «پ» ندارند و از زمان صفویه کلمه حاجی نیز افزوده شد و حاجی فیروز گفتند با شیپور خود می‌دمد که ای مردم بدانید روح مردگانتان آزاد شده و به سوی شما، روان گشته‌اند. مردم بر روی پشت بام منزل خود آتش می‌افروختند و خود نیز بر بام می‌ماندند تا ارواح در

گذشتگان خودشان را راهنمایی کنند که منزل ما اینجا است نزد ما بیایید. در درون منزل همه چراغها را روشن می‌کردند و سفره‌ای پر از خوردنی می‌چیدند تا ارواح ببینند وضع مالی‌شان خوب است و راحت هستند. این ارواح حداکثر تا سیزدهم فروردین به جای اول خود بازمی‌گشتند. این مراسم در تمام جهان بوده و در اروپا و امریکا به آن در امریکا و اروپا باید به ارواح خبیث هدایایی داد که آزار نرسانند. در داستان سیاوش هم وی به تهمتی گرفتار شده و با عبور از آتش بی‌گناهی خود را ثابت می‌کند و پدرش دستور برگزاری جشن آتش می‌دهد. این جشن قبل از داستان سیاوش هم وجود داشته و پدرش به شکرانه سلامت وی دستور برگزاری آن را می‌دهد.

آجیل شیرین بخاطر جشن و هفت کوبه آتش و قاشق‌زنی از آداب این مراسم است. قاشق‌زنی توسط کسی که چادر بر سرش انداخته و قابل شناخت نیست نهاد روح و زدن به کاسه و قاشق برای اینستکه ارواح نباید صحبت کنند.

رنگ لباس پیروز (حاجی فیروز) سرخ است و صورتش سیاه که سه تعبیر دارد:

۱- رنگ لباس نگهبانان آتش در مهرابه‌ها قرمز بوده و چون آتش از چوب و ذغال بود صورتشان سیاه می‌شد.

۲- سیاهی نماد زمستان است و قرمزی لباس نماد زندگی که درون گیاهانی که ظاهراً مرده‌اند و هیچ برگ و گل و میوه ندارند وجود دارد و در بهار این آتش، حیات را به گیاه برمی‌گرداند.

۳- پیروز سلطان سرزمین مردگان یعنی زیرزمین است که تاریک می باشد و صورت او به همین خاطر تیره است و لباس قرمزش نماد شهید بودن دارد چون در آئین میترا هرکس در مبارزه برای پیروزی راستی و نور بر دروغ و سیاهی بمیرد، شهید است.

جشن مهرگان - مهرجان - میتراکانا

این جشن شانزدهم مهر ماه مطابق با روز مهر از ماه مهر برگزار می شد و تا بیست و یکم مهر ادامه داشت. نام اصلی و قدیمی این مراسم، میتراکانا بود. در ایران باستان، سال به دو فصل تابستان و زمستان تقسیم می شد که بیشتر از باب کشت بهاره و کشت پائیزه کشاورزان بود. تابستان با جشن نوروز شروع می شد و زمستان با جشن مهرگان آغاز می گشت. قربانی کردن، نوشیدن شراب مقدس و رقصهای آئینی از مراسم این جشن بود.

رقص سماع

افراد در مراحل گوناگون مناصب روحانی آئین میترائی در مراسمی با گذاشتن نقاب به رقص می پرداخته اند. این حرکات موزون مذهبی بعدها در عرفان ایران جایگاه پیدا کرد. شراب هوم، رقص آئینی و موسیقی گروهی از مناسک میترائی هستند و رقص که تقلید حرکات موجودات طبیعت است جنبه نیایش ایزد توانا را دارد.

آتش

برخی مراسم در شب برگزار می‌گردید. آتش به عنوان نور روشن می‌شد و افراد با آوردن چوب مقدس، آن را می‌افروختند. در باور میترائی خداوند از نور است و آنچه تولد نور کند قابل تحسین می‌باشد.

چهل چراغ - چلچراغ

در کیش مهر، عدد چهل جزو اعداد مقدس است و معنی آن تکامل می‌باشد. چهل چراغ سمبل روشنائی زیاد بود که ثروتمندان خریداری کرده و به معابد میترائی هدیه می‌دادند. چهل چراغ‌های امروزی ممکن است چراغ‌های کمتری داشته باشد ولی بعنوان عدد تکامل، چهل را بکار می‌برند. در آئین یهود، شمعدانی با هفت شعله از نشانه‌های آئینی است که البته جای شمع، روغن ریخته و فتیله در آنها قرار می‌دادند. نور نشانه خداوندی است پس هر تعداد چراغ که باشد چلچراغ نامید شده و ریشه در آئین میترائی دارد.

دفن مردگان

مردگان را به پهلوی می‌خوابانند بگونه‌ای که دستها، پاها را بغل کرده باشد و رو به طلوع خورشید یعنی مشرق قرار می‌دادند. ظروف سفالی و غذا در اطراف متوفی می‌گذاشتند. تعدادی سر نیزه برنزی رو به آسمان می‌گذارند تا مرده را از بلایای آسمانی محفوظ بدارد. روی تمام سفالینه‌ها نقش خورشید می‌کرده‌اند. قبرها دو طبقه بوده که هرکس با همسرش در هر زمان که فوت می‌کردند و به ترتیب زمان فوت در بالا و پایین قرار می‌گرفتند. در بین ظروف سفالی، تنگ‌های دوقلو وجود

داشته به اضافه قوری و کاسه و بشقاب که از هرکدام دو عدد بود تا زن و مرد هرکدام مستقل باشند.

هفت سین

عدد هفت عدد مقدس میترائی است که وارد ادیان دیگر هم شده است و احتمال دارد هفت‌سین نیز از این آئین تاثیر پذیرفته باشد.

هفت سین باید هفت نام پارسی باشد و تلفظ نام هم یک بخشی باشد. لازم است گیاهی و برای انسان قابل خوردن باشد.

سیب - سنجد - سرکه - سمنو - سماغ - سبزه - سیر

عوامل اصلی سفره هفت سین هستند که هریک نماینده یک ایزد هستند.

سیر: اهورا مزدا

سبزه: فرشته اردیبهشت نماد آبهای پاک

سیب: فرشته اسپندارمز، فرشته زن، نماد باروری و پرستاری است.

سنجد: فرشته خرداد نماد عشق و دلبستگی

سرکه: فرشته امرداد نماد جاودنگی

سمنو: فرشته شهریور نماد خواربار

سماغ: فرشته بهمن نماد باران

امروزه آینه هم می‌گذارند که نماد خلوص و پاکی است چون شما را آنطور که هستید نشان می‌دهد و به شما دروغ نمی‌گوید ضمناً نور را انعکاس می‌دهد یعنی زیاد می‌کند.

سکه بمعنی ثروت و برکت.

آب و ماهی بمعنی حیات و گردش زمان

غیر از هفت قلم اول، بقیه ریشه تاریخی ایران ندارند.

معاد و رستاخیز

این دو اصل از آئین میترا آمده و در روز نهایی، میترا همه ارواح را برمی‌انگیزاند و نسبت به اعمال آنها داوری می‌کند.

سوگند خوردن

این سنت هم از آئین میترا است. افراد به میترا سوگند می‌خوردند که راستگو بوده و در پیمان، وفادار باشند. در سنگ نوشته‌ها از قراردادهایی که سلاطین باستان بسته‌اند به میترا سوگند خورده‌اند تا به مفاد قرارداد پای‌بند باشند.

اگر کسی متهم به نقض پیمان شود و او منکر باشد باید در روش‌هایی سخت‌گیرانه مانند آزمون آتش شرکت کند و اگر سالم بیرون آمد گنهکار نیست. در شاهنامه و داستان سیاوش این مطلب آمده است. عنوان سوگند از سوده گوگرد آمده که در آب حل می‌شد و متهم می‌نوشیده و اگر صدمه‌ای نمی‌دید از اتهام مبرا می‌شد. این دو روش یعنی آتش و سوده گوگرد برای تعیین واقعیت به کار می‌رفته است. ادای سوگند با کلام صورت می‌گیرد ولی شخص باید فکر این که بعد نمی‌تواند آن را رد کند یا پشیمان شود را بکند تا دچار آزمون نشود.

وقف

برای تامین زمین جهت ساخت مهرابه‌ها (معابد میترائی) و تامین مخارج ساخت و نگهداری آنها، افراد زمین و ساختمان وقف می‌کردند. زمینها و معابد میترائی همگی وقف بوده‌اند.

در مصیبت‌های همگانی مانند خشکسالی، اموال معبد فروخته شده و به مردم بعنوان قرض‌الحسنه داده می‌شد تا بحران بگذرد.

گیاهان مقدس در میترائیسم

در کیش مهری و داستان زادن میترا و قربانی کردن گاو آفرینش، اولین گیاهی که از خون گاو می‌روید «تاک انگور» و دومی «خوشه گندم» است. دیگر اینکه گل نیلوفر محترم شناخته می‌شود چون بنابر بعضی روایات میترا از گل نیلوفر و با تابش خورشید، زاده می‌شود. در این آئین سرسبزی و آبادانی که منسوب به آناهیتا الهه باروری و آب است و این الهه را مادر میترا می‌دانند بسیار مهم است. گیاهانی که همواره سبز هستند مانند کاج، سرو، بید مورد احترام هستند و اصطلاحاتی مانند «سرت سبز» از این آئین می‌آید.

در خرابات مغان نور خدا می‌بینم

خرابات جمع همان خرابه و در اصل «خورابه» بمعنی خانه خورشید است. خانه خورشید لقب معابد میترائی بوده است همانطور که در موسویت به محل عبادت، کنیسه در مسیحیت «کلیسا» و در اسلام «مسجد» می‌گویند.

آئین میترا را گروهی «آئین نور» نامیده‌اند. پیر مغان بالاترین عنوان مذهبی بوده که پیر بمعنی رشد یافته‌ترین یا کاملترین است. او بر مغان ریاست دارد. پیرمغان بمفهوم فرد خردمند در اشعار شاعران ایرانی بسیار آمده است.

مهر گیاه

گیاهی است که در واقع فقط ریشه است و باید از زمین بیرون آورده شود و بخاطر شکل عجیبش به زن و مردی که یکدیگر را بغل کرده‌اند تشبیه شده. مردم آن را باعث ایجاد محبت و علاقه بین افراد می‌دانستند. این گیاه ظاهراً بطور برعکس در زمین فرو رفته و ریشه‌های آن را موهای آن زن و مرد تعبیر می‌کردند. از آنجا که الهه میترا (مهر) آورنده مهر و عشق و محبت است و آئین چند هزار ساله است به نظر میرسد در نام‌گذاری این گیاه از الهه مهر الهام گرفته شده است.

نوش – نوشابه – نوشخواره

نذری دادن در آئین میترا رواج داشت. نذری را تقدیمی به خدایان می‌دانستند. اگر نذری بصورت نوشیدنی بود آنرا نوشابه و اگر خوردنی بود آن را نوشخواره می‌گفتند. مردم گفتن کلمه «نوش» را بعنوان برکت دادن به کار می‌بردند.

القاب پهلوانی

زورخانه بازمانده از مکان ورزش «پیران مغان» و «ای یاران» است. در زورخانه همانند هفت لقب پیروان روحانی میترا، هفت لقب (کهنه سوار، مرشد، پیش کسوت، صاحب زنگ، صاحب تاج، نوچه، پهلوان) وجود دارد.

سلاح پهلوانان

در زورخانه که از آئین میترا می‌آید هر پهلوان فقط یک دشنه همراه داشت. خنجر نمادی از خنجر میترا به هنگام کشتن گاو آفرینش است.

چهارشنبه سوری

این سنت از کیش مهری می‌آید. آتش از عناصر اولیه حیات محسوب می‌شده و مراسمی برای بزرگداشت آن داشتند که دور آن چرخ می‌زدند و دعا می‌خواندند و البته مانند امروز، پریدن از روی آتش را نداشته است. در داستان سیاوش در شاهنامه او متهم به عملی می‌شود که باید آزمون آتش را بگذراند و موفق هم می‌شود ولی اینکه پدرش دستور داد که جشن بگیرند احتمالاً به این صورت بوده که او به شکرانه راستگویی پسرش دستور داده که جشن آتش برگزار کنند و آن سرآغاز جشن چهارشنبه سوری نبوده و این رسم از قبل بوده است.

گروه گر (همسرایان)

خواندن دسته جمعی سرودهای مذهبی از آئین میترا آمده است. در تمامی مراسم مذهبی، افراد حاضر در محفل شروع به خواندن گروهی دعا می‌کردند. این همسرایی به مسیحیت وارد شد و نام گروه گر به خود گرفتند. همسرایی آوازی اشعار مذهبی در اروپا از کلیسا هم خارج شد و در موسیقی‌های متداول هم جایگاه پیدا کرد.

بوش خوش در مهربابه‌ها

در تمام معابد میترائی، چوب‌های خوشبو می‌سوزانده‌اند تا مهربابه خوشبو باشد. این رسم از این آئین به سایر ادیان راه یافت.

فصل پنجم:

معماری

فصل پنجم: معماری

نقاشی روی دیوارهای معابد مهری

از هنرهایی مانند نقاشی، مجسمه‌سازی و موسیقی در معابد میترائی بسیار استفاده می‌شد. دیوارها را با نقوش میترا و گاو آفرینش و ستارگان نقاشی می‌کردند. در زورخانه‌های امروز که رسمی از کیش مهری است تصاویر جنگ‌های پهلوانی شاهنامه را بر دیوارها ترسیم می‌کنند. تصاویر زورخانه‌ها الهامی از معابد میترائی است.

شاه نشین

در ساختمانهای اشرافی اتاقی مجلل وجود داشت. مقام ارشد را فقط بر روی مبل بزرگی که در بلندترین نقطه اتاق قرار داده شده بود، می‌نشاندند. این اتاق را شاه‌نشین می‌گفتند. این رسم از طلوع و غروب خورشید از پشت کوه بلند می‌آید. آن مقام مانند خورشید و محل حضور او مانند کوه تعبیر می‌شد.

سنگ

در اساطیر، روشنائی برآمده از آسمان است. آسمان را از جنس سنگ تصور می‌کردند که نور از آن متولد شده است. تولد میترا از سنگ نیز در همین مفهوم است.

گنبد - گنبد طلائی

گنبد نشانه افلاک بوده چون دنیا را به شکل تخم مرغ فرض می‌کردند. خداوند را منبع نور پایدار و جاودان می‌دانستند و آشکارترین نور برای بشر هم خورشید بوده است. طلا هم‌رنگ خورشید و نور خورشید است بنابراین روی گنبد را طلائی رنگ می‌کردند. رنگ طلا، رنگ خورشید است و خورشید هم به رنگ خداوند است و معبد نیز برای پرستش خداوند ساخته می‌شود. طلا فلزی است که نمی‌پوسد و از بین نمی‌رود و همیشه وجود دارد و این صفت خداوند است. طلا را فلز خداوند می‌دانستند. در ایران تشابه رنگ طلا با خورشید، دلیل طلایی کردن گنبد بوده است. ایرانیان تنها ملتی بودند که می‌توانستند روی چهارضلعی، گنبد بسازند درحالی‌که یونانیان و رومی‌ها فقط روی شش ضلعی یا هشت ضلعی قادر به این کار بودند. در مجسمه آزادی در آمریکا، تصویری از میترا دیده می‌شود که امواج نور از اطراف چهره‌اش بیرون می‌زند.

میترائیسیم و معماری

معابد میترائی در غارها آماده می‌شد یا بصورت غار ساخته می‌شده و باید نزدیک رودخانه می‌بودند در تمام معابد میترائی یک راهرو، آغاز ورود است. در سمت راست به اتاقی می‌رسیده‌اند که ظرفی سنگی پر آب بوده که دست یا سر خود را در آن فرو می‌کرده‌اند. دست خیس را روی پیشانی به شکل صلیب که نمودار چهار عنصر حیات، آب، باد، خاک، آتش، است می‌کشیده‌اند. این عمل مانند وضوی در ادیان دیگر است. در سمت چپ اتاقی بوده که در آن خاک پیدا شده یعنی به نظر می‌آید

تیمم می‌کرده‌اند چون خاک هم از عناصر پاک حیات است. روش تیمم یا وضو معلوم نیست. در ادامه راهرو نیمکت‌های سنگی در سمت راست و چپ محل عبادت بوده، در مقابل نیمکت‌ها هفت پله سنگی وجود داشته به نشانه هفت ستاره که پیر مغان در پله هفتم می‌نشسته و دعا را شروع می‌کرده. محلی در معابد مهری بوده که سالی یکبار گاو یا خروس ذبح می‌کردند البته گراز را برای شیطان قربانی می‌کرده‌اند تا از آزارش در امان باشند.

مهرابه - خُرابه - خرابات

مهرابه مرکب از مهر بمعنی خورشید و آبه، است که به مفهوم محلی با سقف گنبدی است. خرابه نیز که جمع‌اش خرابات باشد مرکب از خود بمفهوم خورشید و آبه یا آوه می‌باشد که «آبه» در اسم‌های گرمابه، سردابه هم وجود دارد. نام «آبه» در فرانسه ABBAYE و در انگلیسی به ABBEY تبدیل شد که معنی دیر و معبد می‌دهد. در مهرابه یا خُرابه، پیر مغان به درس اخلاق، ریاضی، نجوم و پزشکی و علوم دینی می‌پرداخت.

«خورابه» در گذر زمان به «خورآباد» و سپس «خرابات» تبدیل شد. در اصطلاح شعری به معنی «خانه و جایگاه خورشید» که نام برای معابد مهری است بمنزله می‌کده نیز آمده است. مهرابه محل پرستش خداوند راز و نیاز بوده و مفهوم واقعی‌اش چنین می‌باشد.

بنا با سنگ قرمز

ساختمان‌هایی که در اروپا بعنوان معابد میترائی ساخته شده‌اند با سنگ قرمز که معروف به سنگ سماق هستند، پوشیده شده‌اند. در زمان ساخت کلیسای اعظم کنستانتینوپول (استانبول فعلی) که این کلیسا پس از پیروزی عثمانیان تبدیل به مسجد ایاصوفیه گردید دستور داده شد که سنگهای قرمز معبد بزرگ میترا در رم را برداشته و به آنجا بردند که در ساختمان استفاده شد.

هفت طبقه آسمان

اساس آئین مهر بر نجوم است. اعتقاد بر این بود که هفت ستاره بخت یعنی خورشید (مهر)، ماه، تیر و عطارد، مشتری، زحل، مریخ، ناهید (زهره) هرکدام حاکم بر یک طبقه از آسمان هستند. هرکس که به دنیا می‌آید یک ستاره هم متولد می‌شود که در طبقه‌ای از آسمان قرار می‌گیرد. در هر طبقه‌ای که واقع شود خصوصیات ستاره حاکم بر آن طبقه را به نوزاد می‌دهد. هرگاه شخص فوت نماید آن ستاره بصورت دنباله‌دار درآمده و پس از نور افشانی، خاموش می‌گردد.

برج فلکی

مجموعه‌ای از ستارگان که نزدیک هم باشند را یک شکلی فلکی می‌گویند و بیش از یکصد و بیست شکل فلکی وجود دارد که دوازده نقش آنها را مؤثر در زندگی بشر دانسته‌اند نام این برج‌ها بره، گاو، دو پیکر، خرچنگ، شیر، خوشه، ترازو، کژدم، کماندار، بزغاله، دلو، ماهی می‌باشد.

شکل‌های فلکی را بالاتر از هفت آسمان می‌دانستند پس هر جای بلندی را به برج که نام دیگری برای هر شکل فلکی است گذارده‌اند. اصل از اینکه در قدیم دور شهرها قلعه می‌ساختند و حداقل در چهار طرف یک برج دیده‌بانی که برجک هم می‌گفتند اضافه می‌شد که امکان دیدن دوردست برای خبر زودتر از وقوع حمله دشمن می‌داد. اطلاق عنوان «برج» از این عمل می‌آید.

فصل ششم:

نجوم

فصل ششم: نجوم

تأثیر ستارگان بر زندگی و مرگ انسانها

در آئین میترا معتقد بودند هرکس یک ستاره بخت دارد که از هفت ستاره بخت است. رفتار شخص در زندگی بسته به آن ستاره بوده و پس از مرگ نیز روحش به همان ستاره برمی گردد. هر ستاره ویژگی دارد که به آن شخص منتقل می شود. در هنگام تولد نوزاد، ستاره شناس را خبر می دادند و او استریاب (اصطرلاب در عربی - در لاتین ASTRO LAB) را به طرف شرق می گذارد (همه ستاره ها از شرق طلوع می کنند) و ستاره بخت (یا بدبختی)، چون ستاره کیوان (زحل)، و بهرام (مریخ) را نحس می دانستند، را براساس رنگ ستاره ها که از استریاب دیده می شد تعیین می کرد. ستاره شناس انگشت را در نیل (پودر آبی رنگ) می زد و بر پیشانی نوزاد نام ستاره را که تعیین کننده سرنوشت او بود، می نوشت. رنگ ستاره ها از استریاب، (مهر) خورشید - رنگ زرد - هرمزد (مشتري) - رنگ مشکی براق (متالیک) - (مه) ماه - رنگ سبز - ناهید (زهرة) - رنگ کرم روشن - (بهرام) مریخ - رنگ قرمز - کیوان (زحل) - رنگ مشکی تیره - (تیر) عطارد - رنگ آبی فیروزه ای

خورشید خانم

در ایران امروز ماه سمبل زیبایی است ولی اصطلاح خورشید خانم را داریم. در سبکی از نقاشی ها تصویر خورشید را به صورت یک زن می بینیم، وقتی آن را در

کنار الهه میترا می‌گذاریم که فرزند خورشید است متوجه می‌شویم که اصطلاح خورشید خانم از کجا می‌تواند آمده باشد.

نقش شکل‌های فلکی در آئین میترا

در کیش میترا، شکل‌های فلکی نقش مهمی دارند. در واقع معابد میترا در غارها بود و سقف غار از درون غار را به صورت گنبد فلک نقاشی می‌کردند. اعتقاد داشتند که هفت ستاره بر زندگی مردم اثر می‌گذارد پس شکل آن هفت ستاره را نقاشی می‌کردند. اروپاییان وقتی آئین مهر را پذیرفتند این ستارگان را با دوازده شکل فلکی که آنرا «زودیاک» می‌گفتند جایگزین نموده و نقش این اشکال فلکی را مهمتر از ستارگان دانستند.

اروپاییان بر این باور بودند که دوازده شکل فلکی تاثیر خوب و مثبت بر زندگی انسان‌ها دارند و هفت ستاره می‌توانند اهریمنی باشند و اثر منفی بگذارند.

احترام به خورشید و ماه

از نظر کیش مهری، خداند نور است و تاریکی اهریمن است. نشانه آشکار نور برای مردمان کره زمین، خورشید است. خورشید در روز و ماه در شب قابل احترام بودند چون از نور ایزدی بهره داشتند.

شکل‌های برج

فروردین	اردیبهشت	خرداد	تیر	مرداد	شهریور
بره	گاو	دوپیکر	خرچنگ	شیر	خوشه

مهر	آبان	آذر	دی	بهمن	اسفند
ترازو	کژدم	تیرانداز	بزغاله	دلو	ماهی

هفت ستاره بخت – هفت آسمان

اشاره به اعتقاد قدیمی‌ها مبنی بر تاثیر هفت ستاره بر زندگی انسان دارد.

نام سیاره به پارسی	نام سیاره به عربی	عضو بدن	رنگ ستاره	نام روز هفته که به نام آن ستاره است	صفت منسوب به ستاره	طبقه آسمان
کیوان	زحل	طحال (زهره)	مشکی تیره (نیلی)	شنبه	تندی و خشونت – مرگ	هفتم
آفتاب – خورشید	شمس	دل	زرد	یکشنبه	روشنی و خوشی – شجاعت	چهارم
ماه	قمر	شش	سبز	دوشنبه	مجلس افروزی و خوش محضری	اول
بهرام	مریخ	کیسه صفرا	سرخ (نارنجی)	سه‌شنبه	جنگ و خشونت – غضب	پنجم
تیر	عطارد	مغز	فیروزه‌ای تیره	چهارشنبه	تفکر، مطالعه، نویسندگی، اداری	دوم
اورمزد	مشتری	جگر	صندل گون و بنفش (رنگ مشکی براق)	پنج‌شنبه	تولید، کار آزاد، رزق و روزی	ششم
ناهید	زهره	قلوه	سپید	جمعه	هنر، جشن و موسیقی	سوم

مفاهیم

خورشید: نشانه الهی و فر ایزدی

ماه: نشانه اقتصاد

ناهید: نشانه شعر، موسیقی، هنر

تیر (عطارد): نشانه علم و نویسندگی

اورمزد (مشتری): نشانه قضاوت

بهرام (مریخ): جنگاوری

کیوان (زحل): نشانه کشاورزی

روزهای هفته	نام باستانی میترائی
شنبه	کیوان شید
یکشنبه	مهرشید
دوشنبه	مدشید
سه شنبه	بهرام شید
چهارشنبه	تیرشید
پنج شنبه	هرمزشید
جمعه	ناهیدشید

ناهید

ستاره ناهید که در عربی زهره نامیده می شود بسیار پر نور است و ستاره هنرمندان است.

ماه

ماه نور ندارد بلکه نور خورشید را منعکس می کند. در شب تار در مقابل دیو ظلمت یگانه مشعل ایزدی است نزد ایرانیان باستان گرامی دانسته شد. ماه نگهبان چهارپایان است و حامل نژاد آنها، روز دوازدهم هر ماه بنام «کره ماه» نام گذاری شده.

هر ماه سه بار نیایش برای «نور ماه» برگزار می‌شده، هلال ماه همانند دایره خورشید از قدیم علامت ایرانیان بوده و می‌پنداشته‌اند که گردونه ماه را گاوی از نور می‌کشد. گاو ماه دارای دو شاخ زرین و هشت پای سیمین است. در ادبیات فارسی، ماه مظهر زیبایی و روشنی و بلندی طبع است.

اورمزد – برجیس (مشتري)

ستاره اورمزد که در عربی مشتري می‌گویند و لاتین آن برجیس است. ستاره افراد علاقمند به کار آزاد می‌باشد. این ستاره را «سعد اکبر» یعنی بزرگترین خوبی می‌دانستند.

نام ماه‌های ایرانی و مفاهیم آنها

عده‌ای مراحل زمانی ۲۹ و ۳۰ روزه را که عربی است ماه می‌گویند چون وابسته به گردش کره ماه است و این فاصله زمانی ۳۰ و ۳۱ روزه را برج می‌نامند. برج در ارتباط با گردش کره زمین در شکل‌های فلکی یعنی برج‌های فلکی می‌باشد.

نام برج	معنی
فروردین	انسان های پاک
اردیبهشت	بهترین راستی
خرداد	رسا و کامل
تیر	ایزد باران
مرداد	جاودانگی

شهریار نیک	شهریور
پیوند با مهربانان	مهر
آب ها	آبان
آتش	آذر
دانی آفریننده	دی
منش نیک	بهمن
آرامش	اسفند

نام روزهای هفته

براساس اعتقاد به هفت ستاره، زمان را نیز به هفته یعنی هفت روز تقسیم و نام‌گذاری کرده بودند. کلمه «شید» بمعنی درخشان بدنبال هریک از روزهای هفته می‌آمد که در عبری به «رشبت» و در عربی به شنبه تبدیل گردید.

کیوان شید	شنبه
مهرشید	یکشنبه
مه شید (ماه شید)	دوشنبه
بهرام شید	سه شنبه
تیرشید	چهارشنبه
هرمزدشید	پنج شنبه
ناهیدشید	جمعه

ستاره بخت

در عهد باستان اعتقاد داشتند که هرکس از دنیا برود روح‌اش به یکی از ستاره‌ها می‌رود. هر فرد بسته به حرفه‌ای که در زندگی داشته روح‌اش به ستاره‌ای می‌رود. این باور منجر به تعیین هفت ستاره که هرکدام مأمّن یکی از حرفه‌ها است، شد. در گسترش این اعتقاد، نتیجه گرفتند که روح هرکس از یکی از هفت ستاره می‌آید پس آن ستاره نشانه حرفه‌های مشخصی است. در کل، روح فرد از هر ستاره‌ای بیاید نوع حرفه و آینده شغلی او از ابتدا تعیین شده و پس از مرگ هم به همان ستاره برمی‌گردد.

قربانی برّه

ستاره بهرام (مریخ) را که ستاره‌ای سرخ رنگ است، نشانه جنگاوری و نگهبانی و حفاظت از میهن می‌دانستند و برایش برّه قربانی می‌کردند. میترا الهه جنگ نیز هست جنگ بین نور و ظلمت، خوبی و بدی، راستی و دروغ، ستاره بهرام که ستاره جنگاوری است در این آئین محترم شمرده شده و در هنگام نبرد، بره برایش قربانی می‌کردند.

مهر و عیسی

آورده‌اند وقتی عیسی به آسمان می‌رفت قرار بود هیچ‌یک از وابستگی‌های زمینی همراه نداشته باشد ولی برحسب غفلت، سوزنی همراه داشت که باعث گردید تا

آسمان چهارم که خانه خورشید است بالاتر نرود. او در خانه مهر (خورشید) جای گرفت.

عدد پنج

در دوران باستان فقط پنج ستاره را ستاره بخت و مؤثر در زندگی انسانها می دانستند که کیوان (زحل)، بهرام (مریخ)، ناهید (زهره)، اورمزد (مشتري)، تیر (عطارد) بودند. پنج یکی از اعداد مقدس بود و بعد دو ستاره دیگر مهر (خورشید) و مه (ماه) نیز اضافه شدند که تعداد ستاره های بخت به هفت رسید. در یونان نیز این اعتقاد بوده و شاید پنج حلقه المپیک از این باور آمده باشد.

نه آسمان – بالاتر از سیاهی رنگی نیست

هفت طبقه برای آسمان قائل بودند و طبقه هشتم که بالای این ها بود محل استقرار شکل های فلکی می دانستند و بالای این طبقه یعنی نهم فاقد هر چیزی بود و فقط سیاهی وجود داشت پس می گفتند بالاتر از سیاهی رنگی نیست. نظامی گنجوی می فرماید:

هفت رنگ است زیر هفت اورنگ نیست بالاتر از سیاهی رنگ

هفت مرحله میترائی و هفت آسمان

عدد هفت عدد مقدس در این آئین هفت هزار ساله بوده و شاید تقدس عدد هفت از این آئین به سایر کیش ها راه یافته باشد. هفت آسمان، هفت ستاره بخت، هفت

مرحله مغان میترائی، منبر هفت پله نشانه احترام این عدد بوده است ضمناً ضرایب این عدد مانند ۱۴، ۲۱ و تا ۷۰ نیز خوش یمن دانسته شده است.

فصل هفتم:

زبانزد

فصل هفتم: زبانزد

دل داده و قلوبه گرفته

اشاره به محبت و یگانگی دارد:

۱- ستاره خورشید سمبل دل است و ستاره ناهید که آن هم بسیار نورانی است را به قلوبه تشبیه کرده‌اند. چون نور نشانه ایزدی است پس دو ستاره نورانی به هم افتاده‌اند و محبت و یگانگی در میان است.

دندان روی جگر گذاشتن

مغان میترائی علوم ریاضی، پزشکی، نجوم و امور دینی را باید یاد می‌گرفتند. آنان مدعی پیش‌بینی آینده بودند. اساس کار چنین بود که در اولین روز هر سال یک گوسفند یا بز را سر بریده و جگرش را در سینی طلا گذارده و به حضور پیرمغان یا بزرگترین مقام مذهبی منطقه می‌بردند. او مدتی مثلاً یکساعت به آن خیره می‌شد و ممکن بود گاز کوچکی از آن بگیرد که البته فقط اندکی فشار دندان بود نه بریدن قطعه‌ای از جگر و کوتاه مدتی پس از این عمل که در آن زمان، «دندان روی جگر گذاشتن» می‌گفتند. شروع به بیان پیشگویی سال که شروع شده بود می‌کرد. از آنجا که فاصله زمانی کوتاهی از گذاردن دندان بر روی جگر، شروع به سخن می‌کرد امروزه به کسی که صبر کرده ولی اندکی بیشتر باید صبوری کند می‌گویند که دندان روی جگر بگذارد. در دنیای باستان برای مدتی جگر و سپس دل محل عشق و شجاعت دانسته می‌شد و جگر عنصر اصلی بدن محسوب می‌گردید.

تا سه نشه بازی نشه

سه اصل اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک از اصول میترائی هستند که در آئین زرتشت هم وارد شده‌اند. اندیشه نیک وارد فکر شخص می‌شود و باعث گفتار نیک او شده سپس به عمل نیک پایان می‌یابد. برای نتیجه خوب باید هر سه صورت گیرد. امروزه درباره عملی که دو بار تکرار شده ولی به مطلوب نرسیده گفته شده و توصیه می‌گردد برای سومین بار نیز عمل شود. درواقع برای نتیجه خوب باید هر سه اندیشه، گفتار، کردار نیک جمع باشند.

جگر ...

طنزهایی درباره جگر که عامه آن را جیگر می‌گویند وجود دارد. در قدیم جگر را عضو اصلی بدن می‌دانستند و محل شجاعت و عشق محسوب می‌کردند. در آئین میترا و به هنگام شروع سال جدید گوسفند یا بز را ذبح می‌کردند و جگر آن را بیرون آورده در سینی طلا گذارده مقابل مقام مذهبی (مغ) قرار می‌دادند. مغان با بررسی جگر و پس از زمانی شروع به پیش‌بینی تحولات مثبت و منفی سال جدید می‌کردند. اگر پیش‌بینی ناخوشایند بود چاله‌ای در زمین خاکی کنده و جگر را در آن انداخته و رویش خاک می‌ریختند بگونه‌ای که حتی سگ و گربه نتوانند به آن دسترسی داشته باشد. اگر پیش‌بینی حاوی خبرهای خوب بود آن را با چاقو به قطعات کوچک خرد کرده و همانطور خام بین حاضرین تقسیم می‌کردند. درواقع جملاتی مانند اگر جگرش را داری یعنی اگر جگر تو نوید پیروزی‌ات را می‌دهد ولی بعد تبدیل شد به اینکه اگر شجاعت لازم را داری.

به این سوی چراغ

نور نماد ایزدی است و چراغ هم وسیله روشنایی است پس مردم می‌گفتند: به این سوی چراغ یعنی قسم به نور که ریشه در آئین میترا دارد.

چراغ

چراغ نماد نور است و معنی برکت را در کلام مردم می‌دهد. عناوینی مانند «چراغ اول را روشن کن» معنی برکت برسان را دارد یعنی پولی بدهید یا خریدی بکنید. امروزه ساختمانهای آماده فروش را با چراغهای روشن در شب پیام می‌دهند.

بزخم به تخته

ایرانیان باستان معتقد بودند هنگام تولد نوزاد باید درختی برای او کاشته شود. در آئین میترا درخت دارای روح است و درخت کاشته شده برای و بنام نوزاد را همزاد وی می‌دانستند. هرگاه خطری کودک را تهدید می‌کرد که در آن زمان بهداشت مانند امروز نبود و خردسالان دچار بیماریهای خطرناک می‌شدند والدین به نزد درخت رفته و ضربه‌ای ملایم می‌زدند و خواهان پیش‌مرگ شدن درخت می‌شدند تا سپر حادثه گردد. برای هریک هفت ستاره بخت، درختی و گلی داشتند که درخت سرو و گل نیلوفر مربوط به ایزد بانوی میترا است.

مثل ماه شب چهارده

در آئین میترا، نورفشانی از قدرت خداوند است. ماه هم که پرنورترین ستاره در شب است مورد احترام بوده. زیبایی بانوان را تشبیه به ماه شب چهاردهم که پرنورترین

شکل ماه است از آئین میترا می‌آید. در واقع تحسین زیبایی که از آفریده‌های یزدان توانا است.

عیار

پیروان میترا که کمک ثروتمندان را جمع کرده و به نیازمندان می‌رساندند را «ای یار» و جمع آن - ای یاران - بوده که پس از حمله اعراب به ایران به عیاران تبدیل یافته است. جوانمردی از اصول این گروه بوده که بعدها یعقوب لیث صفار هم به این جماعت پیوست و رهبر عیاران سیستان شد. کمنداندازی، بالا رفتن از ارتفاع و انواع شگردهای نبرد به آنان آموزش می‌دادند. در اروپا به کسانی با این عملکرد «شوالیه» می‌گویند و انجمن‌های خیریه فعلی از آن بنیاد می‌آیند.

نان و نمک

دو عامل مهم در آئین میترا بوده که قسم به آن برای تاکید به پایداری در حفظ پیمان بود. نان نشانه قوت تن و نمک نشان محبت است. هرکس با غذای بدون نمک زنده می‌ماند ولی طعم و خوشایندی که نمک به غذا می‌دهد را تشبیه به تاثیر نمک در عشق کرده‌اند.

بزن روشن شی

هنگام نوشیدن شراب این جمله را می‌گفتند که از آئین میترا می‌آید. در کیش مهری افراد در حالت عادی نمی‌توانند به روشن ضمیری برسند و باید از خود بیخود

شوند. نوشیدن شراب بخصوص شراب هوم آنان را به آگاهی و روشن ضمیری می‌رساند.

چراغ اول را روشن کن - سر چراغی

در آئین میترا باتوجه به ماهیت نور و روشنایی در این کیش، از اول غروب چراغ را روشن می‌کردند و آن زمان را سر چراغی می‌گفتند. امروز نخستین مشتری و آغاز کسب و کار را می‌گویند.

یار غار

در نزد عموم، این لقب ابوبکر است که با حضرت رسول (ص) در مسیر مهاجرت به مدینه در غاری پناه گرفتند. ریشه این عنوان بسیار قدیمی‌تر است و از آئین میترا می‌آید. افرادی که در خدمت میترا بودند در مجالس خصوصی در غار (مهرابه) شرکت می‌کردند و با یکدیگر یکرنگ و دوست و صمیمی بوده و اختلاف طبقاتی و سایر امتیازها از بین می‌رفت. افراد میترائی یار غار یکدیگر بودند.

برای هفتاد پشتم کافی است

عدد هفت در آئین میترا عدد مقدسی است. ایرانیان باستان معتقد بودند اگر کسی کار اشتباهی بکند عواقبش تا هفت پشت یعنی هفت نسل بعدی گریبانگیر آن شخص و خانواده‌اش خواهد بود. در گزافه و اغراق گوئی، عدد هفت را عدد هفتاد بالا برده‌اند و می‌گویند برای هفتاد پشتم کافی است.

هفتاد سال

در کیش مهر عدد هفت مقدس است و گاه برای نشان دادن عدد بزرگ از هفتاد استفاده می‌شد.

هفت سال از جهان خراج افکند پنج هفتاد ساله غم برکند

فصل هشتم:

حيوانات

فصل هشتم: حیوانات

حیوانات

کلاغ، سگ، شیر، خروس، گراز، مار، گاو، در آئین میترا مورد احترام هستند.

مار

در آئین میترا برخلاف بسیاری از کیش‌های دیگر، مار موجود اهریمنی نیست. در شام آخر میترا سوار بر گردونه‌ای که (هرمس - مرکور) راهنما و راننده گردونه است. نشان بال‌هایی که بر سر دارد و چوبی از درخت غان که دو مار دور آن حلقه زده‌اند. سوسن، سنبل، اسپرغم (ریحان) و نیلوفر هرکدام به نوعی با مار پیوند دارند. در آئین میترا مار یکی از نشان‌های اصلی است. در آئین موسی وی عصای خود را به زمین می‌اندازد و تبدیل به مار می‌شود. در ایران باستان مار اسپند نام فرشته موکل بر زمان و خرد و گوش و چشم است.

کلاغ

عنوان کلاغ یکی از هفت مرحله نیل به مقامات بالای روحانی است. کلاغ پیام‌آور خداوند است (در یونانی مرکور نامیده می‌شود و همین وظیفه را دارد البته آئین مهر قدیمی از خدایان یونانی است). در هنگام قربانی کردن گاو، کلاغ مبشر و منادی است. کلاغ نمادهای نیز هست.

گراز

گراز نشانه جنگاوری است. این حیوان با دو دندان تیز رو به جلو مانند جنگاوری حمله می کند و حمله اش می تواند کُشنده باشد. میترا الهه جنگ نیز هست جنگ بین خوبی و بدی، راستی و دروغ و گراز همواره در جلوی میترا به حالت آمادگی جنگی می دود.

خروس

از حیواناتی که در کیش مهر دارای ارج است. خروس با صدای صبحگاهی خود خبر از آمدن روشنی و رفتن تاریکی می دهد. سالی یکبار یک خروس که ترجیحاً سفید رنگ یا دارای رنگ یکدست بود را برای میترا قربانی می کردند.

فصل نهم:

گیاہان

فصل نهم: گیاهان

کاج

درختان همیشه سبز مانند کاج و سرو همواره مورد احترام ایرانیان بوده است. نقش کاج در تمام دیوار نگاره‌های تخت جمشید وجود دارد. درخت‌های همیشه سبز دیگر مثل سرو، چنار هم مورد علاقه ایرانیان بود و سنت کاج در کریسمس هم ریشه ایرانی دارد.

سرو

هریک از هفت ستاره بخت دارای گلی و درختی است. سرو بخاطر راست قامتی و سرسبز بودن همیشگی، مربوط به ایزد بانوی میترا است و گل نیلوفر نیز چنین می‌باشد.

درخت انجیر

از ریختن خون گاو آفرینش بر زمین، گیاهان روئیدند که اولی گندم و دومی درخت تاک انگور بود. میترا وقتی زاده می‌شد لباس بر تن ندارد و به فرمان ایزد توانا درخت انجیر که برگ‌های پهن دارد را می‌بیند و الهام دریافت می‌کند که با برگ‌هایش خود را بپوشاند.

گل نیلوفر

در برخی روایات آمده که میترا از نیلوفر زاده است. در تصاویر تخت جمشید بسیاری از سنگ نگاره‌ها دیده می‌شود.

فصل دهم:

هنر

فصل دهم: هنر

در تمامی معابد میترا، نقاشی‌هایی از کهکشان‌ها بر روی دیوار ترسیم شده است. برج‌های فلکی (مجموعه ستارگانی که مردم برای آنها شکل‌هایی مانند ترازو، عقرب، قوچ، ماهی، دوقلوها، مرد تیرانداز، خرس بزرگ، خرس کوچک و همانند آنها قائل بودند). در کل یکصد و بیست و چهار شکل فلکی وجود دارند که نیمی از آنها از نیمکره شمالی و نیم دیگر از نیم‌کره جنوبی قابل دیدن هستند. نقاشی و مجسمه‌سازی از هنرهای مورد تاکید در آئین میترا است. مجسمه میترا و گاو آفرینش در اندازه‌های مختلف در معابد میترائی وجود داشته و تعدادی نیز همچنان در موزه‌ها نگهداری می‌شود.

موسیقی

در مراسم مذهبی میترائی از چنگ، نی، سُرنا استفاده می‌شده است. دعا‌های میترائی را با موسیقی می‌خوانده‌اند.

تئاتر

در مراسم مذهبی افراد بنا بر جایگاه خود در آئین میترا حرکاتی به تقلید از کلاغ، شیر، حرکات گردشی خورشید و ماه انجام می‌دادند.

رقص

رقص یک حرکت مذهبی بوده. در هنگام ادای رقص‌های آئینی میترائی، افراد نقاب کلاغ، شیر، گراز را به صورت زده و همین مراسم بعدها در اروپا نام «بال‌ماسکه» بخود گرفت.

مآخذ

- ۱- آئین مهر، پژوهش و نوشته استادها شم رضی
- ۲- اسرار میترا، آمده کاسکه، ترجمه جلال ستاری
- ۳- آئین میترا، مارتین ورمازون، ترجمه بزرگ نادزاد
- ۴- اسطوره های ایرانی، وستا کریتس، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز
- ۵- آئین مهر پرستی بن مایه ادیان، عباسعلی پارسازاده، انتشارات آردن
- ۶- هفت رمز نمادین فروهر، یسنای تبریزی، انتشارات زوآر
- ۷- آئین های شگفت انگیز، تاهو کوتاوار اتانی، انتشارات بهجت
- ۸- فرهنگ اساطیر ایران باستان، محمد خرم، ناشر آبگین رایان
- ۹- نشان رازآمیز، دکتر، نجفور تاش، انتشارات آرتامیس
- ۱۰- جستار درباره مهر و ناهید، محمد مقدم، انتشارات هیرمند
- ۱۱- از اسطوره تا تاریخ، دکتر مهرداد بهار، نشر چشمه
- ۱۲- میترا در هندوستان، هلموت هومباخ، رقیه بهزادی، نشر پژوهنده